



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

کتابهای کنعیمی عزادای

از وجود مقدس پیامبر اکرم (ﷺ)
تا حضرت امام حسن عسکری (ﷺ)

{ ویژه مسیر }

{ ده بین راه }

بگوش: طبرستان امروز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گل نغمه های عزاداری

نویسنده:

علیرضا مهرپرور

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	گل نغمه های عزاداری
۷	مشخصات کتاب
۷	پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۲۴	حضرت خدیجه سلام الله علیها
۳۳	حضرت فاطمه سلام الله علیها
۵۶	حضرت مولا علی علیه السلام
۱۰۰	حضرت امام حسن علیه السلام
۱۱۳	حضرت امام حسین علیه السلام (عاشورایی)
۱۱۳	هلال ماه محرم - ورود به کربلا
۱۵۷	حضرت مسلم ابن عقیل علیه السلام
۱۶۷	جناب حُرّ علیه السلام
۱۷۱	جناب حبیب علیه السلام
۱۷۳	حضرت علی اکبر علیه السلام
۱۸۲	حضرت قاسم علیه السلام
۱۸۷	حضرت عبدالله علیه السلام
۱۸۹	حضرت علی اصغر علیه السلام
۱۹۵	قحطی آب
۲۱۰	حضرت ابوالفضل علیه السلام
۲۳۱	شب عاشورا
۲۴۰	روز عاشورا
۲۵۹	شام غریبان
۲۶۸	یازدهم محرم
۲۷۶	بازار کوفه

٢٨١	هفتم امام حسين عليه السلام
٢٨٥	حضرت رقيه سلام الله عليها
٢٩٧	اربعين
٣١٤	حضرت امام سجاد عليه السلام
٣٣٠	حضرت امام باقر عليه السلام
٣٣٩	حضرت امام صادق عليه السلام
٣٥٠	حضرت امام كاظم عليه السلام
٣٦٣	حضرت امام رضا عليه السلام
٣٧٨	حضرت امام جواد عليه السلام
٣٨٦	حضرت امام هادى عليه السلام
٣٩٣	حضرت امام حسن عسكرى عليه السلام
٤٠١	حضرت زينب كبرى سلام الله عليها
٤٠٥	حضرت ام كلثوم سلام الله عليها
٤٠٨	حضرت ام البنين سلام الله عليها
٤١٥	شاعران اين مجموعه
٤١٧	سپاسنامه
٤١٩	درباره مركز

گل نغمه های عزاداری

مشخصات کتاب

سرشناسه: علیرضا مهرپرور،

عنوان و نام پدیدآور: گل نغمه های عزاداری: از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم تا حضرت امام حسن عسکری علیه السلام / علیرضا مهرپرور.

مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه، رایانه و کتاب

موضوع: اهل بیت علیهم السلام - شعر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

پله پله صدا زدی ما را

تا زمین دید آسمان ها را

تا گرفتی به خُلق نیکویت

دست خالی تمام دنیا را

« خروش اصفهانی »

ص: ۱

رحمت للعالمین، رفته از عالم

در جهان زد رحلتش، شعله های غم

محشری بر پا شده

مرتضی تنها شده

واویلا واویلا

سرزند با داغ دل، لاله صحرا

تا شود در دشت غم، همدم زهرا

سایه لطف پدر

رفته زهرا را ز سر

واویلا واویلا

حضرت فاطمه عزا به پا می کند

گریه در ماتم سه مقتدا می کند

ریزد از، دیده، شیعه اشک عزا

یا نبی، یا حسن، یا رضا یا رضا

در مدینه عیان، نشانه محشر است

آسمان تیره در، ماتم پیغمبر است

بسته شد، دیده، خاتم الانبیا

يا نبى، يا حسن، يا رضا يا رضا

ص: ۲

گلشن هستی، شد خزان امشب

اشک غم ریزد، آسمان امشب

یا رسول الله یا رسول الله

بیت وحی حق، گشته نیلی پوش

لاله ها گریان، باغبان خاموش

یا رسول الله یا رسول الله

فریاد یا محمد، می آید از مدینه

رنگ علی پریده، زهرا زند به سینه

مدینه شد قیامت

زهرا سرت سلامت

در ماتم پیمبر، رکن علی شکسته

علی غریب و تنها، درخانه اش نشسته

مدینه شد قیامت

زهرا سرت سلامت

ص: ۳

امام منتظران سه جا گرفته عزا

که ماتم حسن و پیمبر است و رضا

صبح روز محشر است

ماتم پیغمبر است

یابن زهرا تسلیت

بیا امام زمان سرشک ماهمه بین

غبار غم به رخ علی و فاطمه بین

محشر کبری شده

خونجگر زهرا شده

یابن زهرا تسلیت

رحلت پیغمبر اکرم رسیده

رنگ زهرا و علی از رخ پریده

وای از این غم (۲)

وای از این هجران و ماتم

آسمان از ما گرفتی هست ما را

هم پیمبر هم رضا هم مجتبی را

وای از این غم (۲)

وای از این هجران و ماتم

ص: ۴

پیغمبری که سید الانبیاست

مهمان بزم خلوت کبریاست

مدینه - اشک امت را بین

ماتم - رحمت للعالمین

تسلیت یا امیر المؤمنین

آه چه داغی است بجان همه

خون شده قلب علی و فاطمه

باغبان - می رود از چمنش

بسوزند - لاله و یاسمنش

تسلیت یا امیر المؤمنین

سوخته قلب علی مرتضی

حضرت زهرا شده صاحب عزا

بر پدر و بر حسن و بر رضا

بقیت الله آجرک الله

خون شده از غم جگر فاطمه

رفته ز دنیا پدر فاطمه

رخت عزا شد به بر فاطمه

بقیت اللہ آجرک اللہ

مدینہ غرق اشک و آہ است
غروب یک خورشید و ماه است

فریاد از این همه مصیبت

یا بن الحسن سرت سلامت

بعد از نبی علی اعلا

در بین امت مانده تنها

در اوج مظلومی و غربت

یا بن الحسن سرت سلامت

ص: ۵

خونین ز رحلت تو شد قلب امت تو یا خاتم النبیین

با رفتن تو عالم روزش شده شب غم با خاتم النبیین

در مدینه شد به پا غوغای محشر

بسته شد چشم خدا بین پیمبر

یا محمد یا محمد یا محمد

غم گرفته شهر یثرب را در آغوش

حضرت خیر النساء گشته سیه پوش

یا محمد یا محمد یا محمد

ص: ۶

پیغمبر ما رفته ز دنیا

غوغای محشر گردیده بر پا

چشم از جهان بسته دگر ختم النبیین

مولا علی گرید برای سرور دین

ای اهل عالم شد فصل ماتم

دنیای اسلام غرق عزا شد

شور مصیبت در آن پیاشد

صدیقه کبری یتیم و آل یاسین

گریان برای احمد و قرآن و آئین

ای اهل عالم شد فصل ماتم

پیغمبر اکرم - آن نیر اعظم - رفته از این عالم (۲)

مولا شده تنها - در ماتمش زهرا - ریزد سر شک از غم (۲)

روز عزای سرور و سالار دین است

دلها غمین است (۲)

صاحب عزا یاران امیرالمؤمنین است

دلها غمین است (۲)

ص: ۷

بیت رسالت گشته سیه پوش

شمس هدایت گردیده خاموش

رفته پیمبر از دار دنیا

آه و واویلا آه و واویلا

از رحلت او خون قلب ما شد

زهرای اطهر صاحب عزا شد

رفته پیمبر از دار دنیا

آه و واویلا آه و واویلا

چراغ مدینه، امشب شده خاموش

صدیقه کبرا، گردیده سیه پوش

گوید کجایی، ای محرم سر الله، بابا رسول الله

ماتم عظمی در، ارض و سماوات است

صاحب عزا امشب، مادر سادات است

گوید کجایی، ای محرم سر الله، بابا رسول الله

مولا امیر المؤمنین اشک از بصر جاری کند

روح الامین بر سر زند زهرا عزاداری کند

مدینه می دهد ندا فریاد وا محمدا

بیت رسالت بسته شد با سوگن ختم المرسلین

شد اول تنهایی مولا امیر المؤمنین

مدینه می دهد ندا فریاد وا محمدا

دست من و دامان تو یا رسول الله

درد من و درمان تو یا رسول الله

ای دیده ها گریان تو یا رسول الله

ای جان ما قربان تو یا رسول الله

ص: ۸

ستمکاران که با حق در نبردند

اهانت بر رسول الله کردند

به پا تا این جهان است

پیمبر جاودان است

اگرچه دیده خفاش کور است

محمد تا ابد خورشید نور است

به پا تا این جهان است

پیمبر جاودان است

یا رسول الله، سید خاتم

شد عزادارت، عالم و آدم

یا رسول الله یا رسول الله

بعد تو دیگر، شد علی مظلوم

خون بدل ماندند عترت معصوم

یا رسول الله یا رسول الله

ای که مولای خلق جهانی

قائد اعظم انس و جانی

یا محمّد یا محمّد یا محمّد

ای که محبوب ذات خدایی

خاتم و سرور انبیایی

یا محمّد یا محمّد یا محمّد

می رود روح پیمبر از بدن

می شود زینب عزادار حسن

ای چراغ انجمن

تسلیت یا بن الحسن

شد دو گل از گلشن هستی خزان

مجتبی و خاتم پیغمبران

ای چراغ انجمن

تسلیت یا بن الحسن

ص: ۹

رحلت پیغمبر و قتل حسن قتل رضاست

فاطمه صاحب عزاست

زین مصیبت خونِ دل جاری ز چشم مرتضاست

فاطمه صاحب عزاست

دو دَ مه

شام عزای مصطفی امشب است

گریه کنان شیر خدا امشب است

باب مصیبت باز شد از امروز

زهر زدن آغاز شد از امروز

در خانه ای که داغ تازه دیده

آتش بجای تسلیت که دیده؟

از داغ ختم المرسلین وای وای

گرید امیر المؤمنین وای وای

مدینه خاتم پیغمبران کو

حضرت خدیجه سلام الله علیها

بنا بود از ازل در زمره اهل یقین باشی

تو باید مطلع الفجر هدی للمتقین باشی

خدا می خواست بانو بین زن های جهان تنها

تو در ام القرای عشق ام المؤمنین باشی

« خروش اصفهانی »

ص: ۱۱

حرم گرید برای رحمت للعالمین امشب

فضای مکه دارد ماتم بانوی دین امشب

حریم وحی حق، شده ماتم سرا

رسول هاشمی، شده صاحب عزا

چراغ محفل آل پیمبر شد خموش امشب

بنالد فاطمه از غم که مادر شد خموش امشب

حریم وحی حق، شده ماتم سرا

رسول هاشمی، شده صاحب عزا

گرد عزا نشسته، بر دامن پیمبر

تنها شده است زهرا، گرید برای مادر

یاور وحی و جان قرآن یا خدیجه

سلام ای بانوی ایمان یا خدیجه

مؤمنه حبیبه چشم و چراغ یاسین

تمام هستیش بود برای یاری دین

پرورده چون زهرا بدامان یا خدیجه

سلام ای بانوی ایمان یا خدیجه

همدم با وفای پیغمبری

خدایچه ای تو مادر کوثری

ای همزبان احمد

آرام جان احمد

یتیمه ات فاطمه دل شکسته

محزون به دامن پدر نشسته

خون شده چشم ترم

بابا چه شد مادرم

میزند ناله پیمبر، رحمت للعالمین

ازغم خدیجه دارد، اشک حسرت بر جبین

مادر حضرت کوثر

بهترین یار پیمبر

سیدی یا مصطفی

تسلیت در این عزا

بانویی که در محبت کرده خوبی را تمام

آنکه در شأن و جلالت حق به او داده سلام

محرم اسرار طاها

هستیش نثار طاها

سیدی یا مصطفی

تسلیت در این عزا

شد فصل ماتم تو خدیجه خدیجه

گریانم از غم تو خدیجه خدیجه

با آه و ناله و گریه های دمادم

زهر را بگیرد از من سراغ تو هر دم

ص: ۱۳

آتش زده بجانم اسم خدیجه امشب

آماده کفن شد جسم خدیجه امشب

ای وای از این مصیبت (۲)

پیغمبر خدا را جز غصه کس نمانده

در سینه خدیجه دیگر نفس نمانده

ای وای از این مصیبت (۲)

دلم آتش مزین دختر غم پرورم

که نهان شد به خاک خدیجه اطهرم

غم نشسته به دلم فاطمه

من ز اشکت خجلم فاطمه

گل پر پر من ، یاس کوثر من

جبرئیل آمده بهر تسلائی من

می کند گریه از گریه زهرای من

گوهر هستی من گمشده

غم او شعله بجانم زده

گل پر پر من ، یاس کوثر من

آفاق غم امشب ماتم سرا دارد
چشم رسول الله اشک عزا دارد
گویی که عالم را گرفته غم یکسر
آه از دل احمد، آه از دل کوثر

سنگین بود چون کوه این غصه جانگاہ
با غم چه خواهد کرد جان رسول الله
که رفته از دستش والاترین همسر
آه از دل احمد، آه از دل کوثر

ای بهشت سینه ختم النبیین
داغ تو سال عزای آل یاسین
یا خدیجه، یا خدیجه، یا خدیجه

جان والای تو با حق آشنا بود
سوز آه تو برای مصطفی بود
یا خدیجه یا خدیجه یا خدیجه

امشب زمین و آسمان را غم گرفته
زها برای مادرش ماتم گرفته

ای و مصیبت (۲)

چشم از خدیجه بر نمی دارد پیمبر

خون جگر از دیده می بارد پیمبر

ای و مصیبت (۲)

ص: ۱۵

یاور و جانان پیمبر

مادر مرو جان پیمبر

بین ز دیده

اشکم چکیده

زهرای یتیم است (۲)

من چار ساله دختر تو

سوزم کنار بستر تو

دل بیقرارم

مادر ندارم

زهرای یتیم است (۲)

امشب دل تنگ مرا اشکم روایت می کند

امشب خدیجه با تو ای اسما وصیت می کند

ای آشنایم، بشنو نوایم

جان تو و زهرای من (۲)

اسما بهار عمر من امشب به پایان می رسد

زهرای سرش به سینه ام من بر لبم جان می رسد

در شادی و غم، در اشک و ماتم

جان تو و زهرای من (۲)

میسوزم و می سازم و جز غم ندارم

یارم ز دستم رفته و همدم ندارم

بهار مهربانی ام خدیجه

بانوی آسمانی ام خدیجه

مرو مرو از برم/ ای مادر کوثرم

جانم که آشیانه وحی خدا بود

در راحت و آرامش از آن آشنا بود

گوهر یکدانه هستی من

فرشته خدا پرستی من

ص: ۱۶

حضرت فاطمه سلام الله عليها

تو سيب بهشت كبريائي زهرا

بانوي تمام آب هايي زهرا

امشب اما همين قدر مي دانم

مهمان پيمبر خدائي زهرا

« خروش اصفهاني »

ص: ۱۷

کانون وحی از آتش بیگانه سوزد

جان و تن شمع و گل و پروانه سوزد

دختر سید البشر

ناله زد از سوز جگر

مظلوم علی جان

گل یکطرف افتاده، بلبل پر شکسته

سر رشته عصمت ز یکدیگر گسسته

خیمه زده ابر بلا

روی سر آل کسا

مظلوم علی جان

در جهان شد پیا غوغای محشر

شیعیان کشته شد زهرای اطهر

یا حجت الله ، بقیت الله

شیعه خون علی امشب به جوش است

پیکر همسرش بر روی دوش است

یا حجت الله ، بقیت الله

کوثر من، جنت من، ای بهار علی
بی تو به حسرت گذرد روزگار علی
آشنای علی همصدای علی

فاطمه فاطمه

هم نفس آه من است دل سوزان من
قصه مظلومی تو غم پنهان من
بی تو تنها شدم یار غم ها شدم

فاطمه فاطمه

سر روی قبرت می گذارم
که جز تو محرمی ندارم

فاطمه جوان من

یاور مهربان من

مظلومه زهرا

روح تو در بهشت اعلا

جسم علی افتاده از پا

چشم از زمانه بسته ام

پای غمت نشسته ام

مظلومه زهرا

ص: ۱۹

تنها علی شد تنها علی شد با داغ زهرا

در خانه مولا گردیده مونس با رنج و غم ها

دارد به لب این زمزمه یا فاطمه یا فاطمه

از بعد زهرا جز اشک دیده همدم ندارد

تا فاطمه رفت دیگر کسی را محرم ندارد

دارد به لب این زمزمه یا فاطمه یا فاطمه

ای همه حاصل علی داغ تو مشکل علی

می روی و نمی رود غم تو از دل علی

فاطمه جان مرو مرو (۲)

سوره کوثرم مرو همدم و همسرم مرو

غریبی مرا بین یگانه یاورم مرو

فاطمه جان مرو مرو (۲)

ص: ۲۰

کوثر قرآن من ، نه ساله مهمان من

بین غمت چه می کند با دل سوزان من

کجاست آن صفایت، نگاه آشنایت

نافله نماز من شد گریه در عزایت

عزای / عزای / حبیبه داور است / بضعه پیغمبر است / بقیت الله

با صورت کبود و پهلوی شکسته

بار سفر زهرای هجده ساله بسته

خون ریزد / خون ریزد / از چشم افلاکیان / وزدیده خاکیان / بقیت الله

با صورت کبود و پهلوی شکسته

بار سفر زهرای هجده ساله بسته

تو بهترین بانوی خلق عالمی فاطمه

شکسته در میان بستر غمی فاطمه

گل بهشت روزگارم ، غم های تو برده قرارم

زهرای من علی غریب است (۲)

مگو حلالم کن و آتشم مزین فاطمه

از رفتن و جدائیت مگو سخن فاطمه

این دست و پهلوی شکسته ، اشکم به دامن نشسته

زهرای من علی غریب است (۲)

ص: ۲۱

فاطمه ای طرفدار حیدر

فاطمه بهترین یار حیدر

ای وجودت تجلی ایمان

فاطمه ، فاطمه ، فاطمه جان

دیگر ای همدم سوز و آهم

مرگ خود از خدای تو خواهم

خانه ام بی تو شد بیت الحزان

فاطمه ، فاطمه، فاطمه جان

ای گل پر پر من

مهربان همسر من

شد ناگهان خاموش، شمع وجود تو

آتش به جانم زد روی کبود تو

مظلومه یا زهرا مظلومه یا زهرا

فارغ از دنیا شدی

راحت از غم ها شدی

این کودکان تو از من ترا خواهند

گرچه ز دیوار و میخ در آگاهند

مظلومه يا زهرا ، مظلومه يا زهرا

ص: ۲۲

کنار قبرت زهرا

علی نشسته تنها

فاطمه جانم

نه طاقتی بنشینم

نه قوتی برخیزم

فاطمه جانم

اول شهیده مولا را کشتند

در خانه علی زهرا را کشتند

زهرا فدا شد ، حقش ادا شد

زهرا زهرا زهرا مظلومه زهرا

غنچه از سوز دل ناله برآرد

برگ گل طاقت سیلی ندارد

وای از مدینه، مسمار و سینه

زهرا، زهرا، زهرا، مظلومه زهرا

مرغ حق در آشیانه

گشته خاموش از ترانه

عاقبت بلبل از گل جدا شد

گل خزان گشت و بلبل فدا شد

فاطمه ، فاطمه، فاطمه جان

بر بدن دارد نشانه

بسکه خورده تازیانه

زیر گل می رود گل شبانه

تا نباشد ز قبرش نشانه

فاطمه ، فاطمه، فاطمه جان

ص: ۲۳

با چه حالی کوچه های شهر خود را بنگرم

پیش چشمان ترم نقش زمین شد همسرم

وای من ای وای من

کشته شد زهرای من

ساکتیم اما جدا گردیده بند از بند من

خانه ام شد قلتگاه همسر و فرزند من

وای من ای وای من

کشته شد زهرای من

یار بی یاورم، مهربان همسرم

من غریبم چرا، می روی از برم

فاطمه فاطمه، فاطمه فاطمه

شعله بر بیت وحی، ظالمانه زدند

پیش چشمم تو را، تازیانه زدند

فاطمه فاطمه، فاطمه فاطمه

مخصوص تشیع نمادین حضرت فاطمه سلام الله علیها

با علی تشیع زهرا می کنیم

همدلی با قلب مولی می کنیم

ذکر لبهای همه ، فاطمه یا فاطمه

از دو چشم زینبش خون می چکید

از پی تابوت مادر می دوید

ذکر لبهای همه ، فاطمه یا فاطمه

تابوت مادر را آهسته بردارید

یاسی که پهلویش بشکسته بردارید

تنهایی ما را / ای آسمان بنگر

آه از دل حیدر / غم حاصل حیدر

کی بوده تشییش اینسان غریبانه

امشب نمی سوزد جز یک دو پروانه

بابا مکن منعم / از گریه بر مادر

آه از دل حیدر / غم حاصل حیدر

مظلومه مدینه جان داده مخفیانه

باشد به پیکر او آثار تازیانه

زهرها شفا گرفته مولا عزا گرفته

یابن الحسن کمک کن جد مطهرت را

بیرون به برز خانه تابوت مادرت را

زهرها شفا گرفته مولا عزا گرفته

ص: ۲۵

چراغ عمر فاطمه گردیده خاموش

زهرا کفن پوشیده و مولا سیه پوش

جان داده زهرا، تنهای تنها

دیگر امیرالمؤمنین کوثر ندارد

از روی قبر فاطمه سر بر ندارد

جان داده زهرا، تنهای تنها

این مزار مخفی تنها طرفدار من است

یار و غمخوار من است

تربت گم گشته مظلومه بیمار من است

یار و غمخوار من است

بعد تو شب هجران دارم

نالہ از دل سوزان دارم

کنار قبرت / قرآن بخوانم

فاطمه من / یار جوانم

شهیده زهرا، شهیده زهرا

صد خزان در بهارم مانده

غربت روزگارم مانده

یاس شکسته / از تازیانه

شاخه زخمی / خونین جوانه

شهیده زهرا ، شهیده زهرا

ص: ۲۶

به جز خدا داغ مرا خبر ندارد

علی که یک فاطمه بیشتر ندارد

تو بهتر از جان منی

تفسیر قرآن منی

فاطمه جان / فاطمه جان

بودن تو کنار من عشق و بهارم

رفتن تو غم تمام روزگارم

شهید بی گناه من

پایان ندارد آه من

فاطمه جان / فاطمه جان

ای مزار بی چراغت کعبه جانم

بی تو گشته چاه زمزم چشم گریانم

فاطمه جانم / روح و ریحانم

ای گل پر پر چرا در زیر گل خفتی

بی علی انالیه راجعون گفتی

فاطمه جانم / روح و ریحانم

هجده ساله من کجائی ای زهرا (۲)

از بعد تو دیگر علی شده تنها (۲)

می سوزم من شب ها یا ام ایها

یا زهرا یا زهرا یا زهرا یا زهرا

ماتم عظاما در ارض و سماوات است

صاحب عزا امشب عمه سادات است

فرشتگان گویند در عالم بالا

یا زهرا یا زهرا یا زهرا یا زهرا

ای خدا همسرم فاطمه رفته ز دستم

من خونین جگر گوشه خانه نشستم

ای وا مصیبت (۲)

می زدند دشمنان ولایت ظالمانه

پیش چشمان من همسرم را تازیانه

ای وا مصیبت (۲)

فاطمه من والله مظلوم است

مظلومی او از قبرش معلوم است

رفته ز دستم بنت رسول الله

گردیده تنها علی ولی الله

آجرک الله، یا بقیت الله

محبوبه حق کجائی ای زهرا

بعد تو دیگر علی شده تنها

رفته ز دستم بنت رسول الله

گردیده تنها علی ولی الله

آجرک الله، یا بقیت الله

چراغ عمر فاطمه گردیده خاموش

بیت امیر المؤمنین گشته سیه پوش

یا فاطمه یا فاطمه فاطمه جانم

پر پر شده شکوفه باغ رسالت

فاطمه آن فدائی راه ولایت

یا فاطمه یا فاطمه فاطمه جانم

سیده باغ جنان گل طاهای من

پاره قلب مصطفی مرو زهرای من

مهربان همسر، سوره کوثرم

جان پیغمبرم، فاطمه فاطمه (۲)

شفیعه روز جزا همه هست من

در سن هجده سالگی رفته از دست من

کن نظر فاطمه، کودکانت همه

می کنند زمزمه، فاطمه فاطمه (۲)

شعله آتش از خانه زهرا بود

بین دیوار و در عصمت کبرا بود

نو گل مصطفی، همسر مرتضی

فاطمه الزهرا، انسیه الحورا

گفت فضا بین چه آمده بر سرم

ریسمان بسته اند بگردن همسر

پهلوی من شکست، محسنم رفت ز دست

فاطمه الزهرا، انسیه الحورا

ای اهل عالم با داغ زهرا

مولا علی شد تنهای تنها

زینب کند در سوگ مادر بیقراری

یکسو حسن یکسو حسین در سوگواری

مظلومه زهرا، مظلومه زهرا

در نوجوانی از ظلم اعدا

چشم از جهان بست ام اییها

از ضرب در پهلوی زهرا شد شکسته

زهرا شد از ظلم و ستم بیمار و خسته

مظلومه زهرا، مظلومه زهرا

ص: ۳۰

دو دمه

افتاده در بستر گل مدینه

گرفته زینب را به روی سینه

آتش گرفته خانه ام پدر جان

در زیر تازیانه ام پدر جان

آماده شهادتم علی جان

قاتل کند عیادتم علی جان

من می روم سوی جنان علی جان

جان تو و این کودکان علی جان

علی، فدای آن تحمل تو

با تازیانه چیده شد گل تو

شد کشته غمخوار علی وای وای

تنها طرفدار علی وای وای

دیگر علی تنها شده

مدینه بی زهرا شده

زهرای من فدایی حق شده

به مادرش خدیجه ملحق شده

بستر بیمار علی جمع شد

فاطمه پروانه علی شمع شد

یا فاطمه عنایتی به ما کن

با پهلوی شکسته ات دعا کن

مدینه زهرای علی کجا رفت

محرم غم های علی کجا رفت

ص: ۳۱

حضرت مولا علی علیه السلام

تو مظهر مردی و مرّوت بودی

نان آور کوچه های غربت بودی

آن دم که به قد قامت بستی قامت

مولا به خدا قسم قیامت بودی

« خروش اصفهانی »

ص: ۳۲

« ۱۹ ماه رمضان »

میگیریم و بر لب دارم این نوا

مولا یا مولا یا مولا یا مولا

یا اهل العالم قُتل المرتضی

مولا یا مولا یا مولا یا مولا

منم غریبی که کسی غم دلم نمی خرد

جز ناله های مرغ شب ره به غمم نمی برد

امشب اگر شود سحر

سوی خدا کنم سفر

علی علی علی

در شب قدری که علی چنین شده مقدرش

به خاک محراب دعا بوسه زند زخم سرش

به صاحب کعبه قسم

به رستگاری می رسم

علی علی علی

پیک خدا امشب می دهد ندا

تهدمت والله ارکان الهدی

فرق علی از هم گردیده جدا

واویلا واویلا وامصیبتا

روی علی از خون لاله گون شده

تمام دین نقش خاک و خون شده

دست خدا حیدر افتاده ز پا

واویلا واویلا وامصیبتا

ص: ۳۳

آسمان کوفه امشب غم گرفته

بر امیرالمؤمنین ماتم گرفته

شهریارایمان پدرتیمان

نقش خون بسته به محراب عبادت

علی مولا علی مولا علی مولا علی مولا

یک ندا پیچید و عالم را بهم زد

اشک و آه و ناله و ماتم رقم زد

آفتاب سحر شده شق القمر

متزلزل شده ارکان هدایت

علی مولا علی مولا علی مولا علی مولا

سوز دیگری داشت امشب علی

ذکر راجعون بود بر لب علی

ای امام معصوم یا علی علی

ای غریب مظلوم یا علی علی

گشته غرق در خون روی مرتضی

زین الم شکسته ارکان هدی

ای امام معصوم یا علی علی

ای غریب مظلوم یا علی علی

ص: ۳۴

تمام حق علی ادا شد

جبین و فرقتش زهم جدا شد

علی علی جان علی علی جان علی جان

روان به مسجد به چشم تر گشت

به روی خونین به خانه برگشت

علی علی جان علی علی جان علی جان

تو اسم اعظمی علی

مظلوم عالمی علی

قرآن ناطقی علی

آیات محکمی علی

تو جلوه ماه خدایی

تو روح سجده و دعایی

مولا علی مولا علی جان مولا علی مولا علی جان

کس چون تو در حق باوری

هرگز نکرده رهبری

بنده محبوب خدا

چون تو نبوده دیگری

رسم عدالت خُلق و خویت

بوده شهادت آرزویت

مولا علی مولا علی جان مولا علی مولا علی جان

ص: ۳۵

« ۲۰ ماه رمضان »

در کنار بسترت

خون بگرید دخترت

ای هستی عالم زینب ترا دارد

مظلوم پدر جانم مظلوم پدر جانم

ای همه امید من

از جدایی دم مزین

مظلومیت بابا چه غصه ها دارد

مظلوم پدر جانم مظلوم پدر جانم

امن یحیی زینب، آتش زده به جانم

خواهم که خیزم از جا اما نمی توانم

کوفه خدا نگهدار کوفه خدا نگهدار

بیمارم و طیبم باشد نگاه زهرا

چشمان نیمه بازم باشد براه زهرا

کوفه خدا نگهدار کوفه خدا نگهدار

ای غم مظلومیت بر دل اهل زمین

گریه سرگردان تو یا امیرالمؤمنین

ای شهادت آشنایت یا علی

ای خدا صاحب عزایت یا علی

یا علی مولا علی (۲)

انبیا ماتم زده در کنار بسترت

سیل اشک اولیا غربت چشم ترت

چشم نخلستان براهت یا علی

اشک غم در چشم چاهت یا علی

یا علی مولا علی (۲)

ص: ۳۶

« ۲۱ ماه رمضان »

خدا نگهدار ای قرار زینب

بودی همه دار و ندار زینب

خون گشته دید گانم

بابای مهربانم

راحت شدی از طعنه های دشمن

زخم زبان و خنده های دشمن

در ناله و فغانم

بابای مهربانم

از نوا افتاده مولا

جان به جانان داده مولا

نخل ها را همه غم گرفته

مسجد کوفه ماتم گرفته

یا علی یا علی یا علی جان

گریه کن ای ماه کوفه

ناله زن ای چاه کوفه

منبر کوفه پس کو خطیبت

گریه کن بر امام غریبت

یا علی یا علی یا علی جان

ص: ۳۷

سرور عالم شد کشته از جفا

شام غریبان است وا محمدا

علی علی جانم ، یا مولا علی (۲)

امشب شده خاموش آوای علی

دیگر به سر آمد غم های علی

علی علی جانم ، یا مولا علی (۲)

ای کوفه دیگر مولا نداری

خلوت نشین صحرا نداری

مظلوم علی جان مظلوم علی جان مظلوم علی جان

ای بر تو گریان مهتاب کوفه

ای قتلگاہت محراب کوفه

مظلوم علی جان مظلوم علی جان مظلوم علی جان

غربت مولا بر همه معلوم است

مسجد کوفه این خون مظلوم است

آه و واویلا ، کشته شد مولا

شيعيان مولا بار سفر بسته

چشم خود را بست آهسته آهسته

آه و واويلا ، کشته شد مولا

ص: ۳۸

ای نخل ایمان از سرشکست پر شکوفه

جایت بود خالی به نخلستان کوفه

ای برق جان ها سوز درونت

دامان محراب رنگین ز خونت

مظلوم علی جان (۲)

پیری که هر شب با تو سرگرم سخن بود

با دست تو قوت و غذایش در دهن بود

امشب ندارد قوت و غذایی

گوید حبیبی مولا کجائی

مظلوم علی جان (۲)

گشته دریای خون سجده گاه علی

مسجد کوفه شد قتلاه علی

میچکد بر زمین خون شیر خدا

واویلا واویلا (۲)

ای که بودی ز لطف بر یتیمان پدر

خیز و بر کودکان نان و خرما بیر

کودکان می کشند انتظار ترا

واويلا واويلا (٢)

ص: ٣٩

شیعیان امشب شب قتل علی مرتضاست

در جهان شیون به پاست (۲)

عالم از داغ امیر المؤمنین ماتم سراسر است

در جهان شیون به پاست (۲)

ای اهل ولا خون دل از دیده بیارید

کشتند علی را (۲)

افسوس دگر یاور و غمخوار ندارید

کشتند علی را (۲)

ای به محراب دعا رویت از خون لاله گون

ای به هنگام نماز شسته مسجد را ز خون

مثل زهرا همسرت یکه و تنها علی

یا علی مولا علی یا علی مولا علی

تو خموش و عالمی، گریه و شیون کند

کی چراغ مسجد کوفه را روشن کند

بی تو گشته شام غم ظهر عاشورا علی

یا علی مولا علی یا علی مولا علی

مهربان بابا کجایت می برند

نیمه شب تنها کجایت می برند

از کنار ما مرو

مهربان بابا مرو

وا مصیبت ای پدر

وا مصیبت ای پدر

ای پدر بنگر که در ویرانه ها

سفره ها مانده تهی از هر غذا

بر یتیمان ای پدر

نان و خرمایی ببر

وا مصیبت ای پدر

وامصیبت ای پدر

ص: ۴۰

آن تربتی که پیکرت در بر گرفته یا علی

عطر شهیده حضرت کوثر گرفته یا علی

علی مظلوم

آیت الیقین

علی مظلوم

مقتدای دین

علی مظلوم

جان مؤمنین

علی جان یا علی علی

همیشه باید گریه کرد به غربت غمهای تو

مثل حسین و زینب و عباس و مجتبیای تو

علی مظلوم

اولین امام

علی مظلوم

ای خیر الکلام

علی مظلوم

بر صبرت سلام

علی جان یا علی علی

نیمه شب آن تن پاک

مثل گل رفت به خاک

آدم از غم به فغان

نوح از گریه هلاک

آنکه مظلوم ز دنیا رفته

به ملاقاتی زهرا رفته

آه مظلوم علی

عرشی خاک نشین

یاور محرومین

عطر مینوی بهشت

گشته با خاک عجین

وقت تشییع به صد ناله و آه

گفت جبرئیل که انالله

آه مظلوم علی

ص: ۴۱

ای با خیر از درد خاموشان کجایی

ای مشعل بزم فراموشان کجایی

مظلوم علی جان مظلوم علی جان

بیمار درد و غم طیب تو کجا رفت

ای پیر نابینا حیب تو کجا رفت

مظلوم علی جان مظلوم علی جان

ای امت محمّد، ای شیعیان مولا

امشب چرا نیامد، بانگ اذان مولا

کوفه سرت سلامت بگو چه شد امامت

ای شیعیان مولا، مولایتان غریب است

از بس علی غریب است گریان براوطیب است

کوفه سرت سلامت بگو چه شد امامت

مسجد کوفه شد، بی تو تنها علی

انتظار ترا می کشد یا علی

یا علی یا علی یا علی یا علی

روی گلدسته ها پرچم غم زدند

بر دل شیعیان داغ ماتم زدند

یا علی یا علی یا علی یا علی

ص: ۴۲

در سماوات و زمین غوغا بپاست

عرش اعظم سوگوار مرتضاست

سرور دین شد شهید

یا علی مولا علی

خانه آل عبا امشب عزاست

اشکشان آب است و خون دل غذاست

سرور دین شد شهید

یا علی مولا علی

خاک عزا کن به سر شیر خدا کشته شد

شمع شبستان دین نور هدا کشته شد

حیدر صفدر علی، خواجه قنبر علی

ساقی کوثر علی، سرور ما کشته شد

چشمان مولا بسته شد آهسته آهسته

دیدار زهرا می رود با فرق بشکسته

مولا ز دنیا رفت

دیدار زهرا رفت

ای چاه کوفه همدمت دیگر نمی آید

ای نخل خرما گریه کن حیدر نمی آید

مولا ز دنیا رفت

دیدار زهرا رفت

ص: ۴۳

ناله را سر کنید

خاک غم شد به سر

دیده را تر کنید

گشته شق القمر

کشته شد مرتضی

گشته بر پا عزا

یا علی یا علی یا علی یا علی

شد ز تیغ جفا

فرق حیدر دوتا

می رسد بر مشام

بوی کرب و بلا

کشته شد مرتضی

گشته بر پا عزا

یا علی یا علی یا علی یا علی

غوغا پیا شد در آسمان ها

ای اهل عالم شد کشته مولا

کشتند مرتضی را بن عم مصطفی را ای وامصیبت

برسرور دین بی حد جفا شد

از تیغ بیداد فرکش دو تا شد

کشتند مرتضی را بن عم مصطفی را ای وامصیبت

ص: ۴۴

شفق گلرنگ شد از خون مولا

گرفته روی مه را هاله غم

علی جانم علی جانم ، علی جان

پیا گردیده از این داغ جانسوز

در این ماه خدا شور محرم

علی جانم علی جانم ، علی جان

ای شهید مسجد و محراب کوفه

نخل دین از خون تو شد پر شکوفه

ای علی جان ای علی جان ای علی جان

مسجد کوفه به سوگ تو نشسته

قلب شیعه در عزای تو شکسته

ای علی جان ای علی جان ای علی جان

یا علی یا علی فصل عزایت بود

نای اهل ولا پراز نوایت بود

ای علی جان ای علی جان ای علی جان

یا علی یا علی شبانه شد پیکرت

دفن چون پیکر فاطمه اطهرت

ای علی جان ای علی جان ای علی جان

ص: ۴۵

امشب دل ما سوزد

چون شمع عزا سوزد

شد کشته علی مرتضی امشب

پنهان ز همه خاموش

تابوت علی بر دوش

تشیع شبانه شد پیا امشب

شد عزای اولین مظلوم عالم

قلب مهدی خون شد ازاندوه و ماتم

ای عزیز زهرا، یادگار مولا

حجت بن العسکری سرت سلامت

فرق حیدر تا به پیشانی شکسته

گرد ماتم بر همه عالم نشسته

در نوا سروش است، این ندا به گوش است

لرزه افتاده به ارکان هدایت

ص: ۴۶

شد به هنگام سحر

فرق تو شق القمر

ای مه جبین علی جان

خورشید دین علی جان

روح تسبیح و دعا

کشته راه خدا

ای مه جبین علی جان

خورشید دین علی جان

یکتا ابر مرد جهان فرقش دوتا شد

محراب کوفه مقتل شیر خدا شد

آه و واویلا شد کشته مولا

فرق علی چون پهلوی زهرا شکسته

از ماتم جانسوز او دلها شکسته

آه و واویلا شد کشته مولا

روح تسبیح و دعا را کشتند

در حال سجده مولا را کشتند

آه مسجد کوفه شد قتلگاه مولود کعبه

با فرق خونین کرده ملاقات

معشوق خود را بهترین اوقات

آه مسجد کوفه شد قتلگاه مولود کعبه

ص: ۴۷

امشب نمی آید دگر صوت مناجات

رسیده با پروردگار وقت ملاقات

مظلوم علی مظلوم علی مظلوم علی جان (۲)

گشته پر خون ای خدا

سجده گاه مرتضی

دیگر نمی آید صوت مناجاتش

رسیده با ایزد وقت ملاقاتش

علی علی جانم علی علی جانم

بانگ جبریل امین

آید از عرش برین

غلطان بخون گشته جان رسول الله

محرم سرّ الله علی ولی الله

علی علی جانم علی علی جانم

شد شهید، شد شهید از تیغ ابن ملجم اول مظلوم عالم

بقیت الله، آجرک الله

می آید، می آید زمزمه یتیمان از گوشه های ویران

بقیت اللہ، آجرک اللہ

ص: ۴۸

محراب کوفه، غرقاب خون است

فرق علی از خون لاله گون است

علی علی جان ، علی علی جان

خون می چکد از رخسار ماهش

مسجد کوفه شد قتلگاهش

علی علی جان ، علی علی جان

جبرئیل از سما، می دهد این ندا

کشته شد وارث خاتم الانبیاء

یا علی یا علی یا علی یا علی

غرق در خون شده، سجده گاه علی

مسجد کوفه شد قتلگاه علی

یا علی یا علی یا علی یا علی

ص: ۴۹

بعد از علی ستون ایمان شکست

با رفتنش حرمت قرآن شکست

کوفه بسوز و ناله زن

یا علی مولا

از ماتم ابا الحسن

یا علی مولا

دلها شده بیت الحزن

یا علی مولا

علی علی علی علی

یا علی مولا

امیر اهل آسمان و زمین

مظلوم تا آن لحظه آخرین

محراب و دکت القضا

یا علی مولا

بیتاب داغ مرتضی

یا علی مولا

پیچیده ناله در فضا

یا علی مولا

علی علی علی علی

یا علی مولا

روح مولا از بدن پر می زند

زینب مظلومه بر سر می زند

یا علی و یا علی و یا علی

خیزد از زخم سرش این زمزمه

فاطمه یا فاطمه یا فاطمه

یا علی و یا علی و یا علی

ص: ۵۰

بانگ روح الامین آید ز عرش عُلا

اهل عالم آلا قد قُتل المرتضی

شد به ماه خدا، فرق آن شه دوتا

مَحرم سِرِّالله، علی ولی الله

سوگ عظما رسیده بر همه قدسیان

سر به زانوی غم جمله کرو بیان

گرم شور و نوا، برشه لافتی

مَحرم سِرِّالله، علی ولی الله

ماتم جانسوز امیرالمؤمنین است

قتل وصی رحمت للعالمین است

ای حجت ثانی عشر، مهدی امام منتظر

سرت سلامت

امشب یتیمان جملگی در انتظارند

از هجر روی شاه مردان بیقرارند

ای حجت ثانی عشر، مهدی امام منتظر

سرت سلامت

شب عزای مولاست خدایا خدایا

شب یتیمی ماست خدایا خدایا

چه ماتمی غم افزاست خدایا خدایا

علی همیشه تنهاست خدایا خدایا

آخرین شب ملاقات علی

نفس خسته مناجات علی

شب غم های زمین

شب صبر آسمان

شب حزن اهل بیت

شب آه عاشقان

یا علی یا مولا ، یا علی یا مولا

ماه در حلقه غم شده نهران

مرغ شب شکسته پر در آشیان

چه شبی چه غربتی

چه غم و مصیبتی

شمع فانوس عزاست

اشک و آه عترتی

يا على يا مولا ، يا على مولا

ص: ۵۲

ای شیعیان امشب شب سوم مولاست

گیسو پریشان بر پدر زینب کبراست

مولا علی مولا علی ای علی جانم (۲)

امشب یتیمان سر به سر یا علی گویند

محراب و منبر تا سحر یا علی گویند

مولا علی مولا علی ای علی جانم (۲)

شب، شب سوم مولاست بیا گریه کنیم

موسم شیون و غوغاست بیا گریه کنیم

به سر و سینه بزن در غم جانسوز علی

شیعه را ماتم عظماست بیا گریه کنیم

سوم هجران تو شد یا علی یا علی

شیعه پریشان تو شد یا علی یا علی

بغض غمت گلوی طفلان فشرده یا علی یا علی

سائل کور از غم توجان سپرد یا علی یا علی

ارض و سما، جن و ملک، نشسته در غم علی

گرفته اهل بیت اوسوم ماتم علی

علی علی علی علی (۲)

ز غصه هر طفل یتیم گریه بر آن پدر کند

در غم هجران علی خاک عزا به سر کند

علی علی علی علی (۲)

ص: ۵۳

«دو دمه ۱۹ رمضان»

سلام ما سلام ما به اسم اعظمت علی

سلام ما سلام ما به قلب پر غمت علی

سلام ما سلام ما به عدل مطلق علی

سلام ما سلام ما به فرق منشقت علی

سلام ما سلام ما بر آن یتیم داریت

سلام ما سلام ما به روح غمگساریت

باب عدالت بسته شد وای وای

فرق علی شکسته شد وای وای

زخمه غم به دل رسد وای وای

فریاد قد قتل رسد وای وای

خون ریزد از خم سرش وای وای

یا رب نبیند دخترش وای وای

زخم سرش را وا مکن طیبیا

در عرشیان غوغا مکن طبیا

کوفه شکستی سر اطهرش را

مشکن ز محمل سر دخترش را

ص: ۵۴

«دو دمه ۲۱ رمضان»

شهادت شیر خدا رسیده

یتیمی شیعه فرا رسیده

کوفه دگر شیر خدا ندارد

جهان بی علی صفا ندارد

یافته غم های علی خاتمه

میروند امشب به بر فاطمه

علی دیگر به نخلستان نیاید

به دیدار تهیدستان نیاید

محشر به پا در ماتم علی شد

کعبه سیه پوش غم علی شد

شده نخل عدالت بی شکوفه

کعبه سیه پوش غم علی شد

شده نخل عدالت بی شکوفه

شده راحت غریب شهر کوفه

علی که بر درد جهان طیب است

تشیع او چون فاطمه غریب است

خاک نجف امشب صفا گرفته

در دامنش شیر خدا گرفته

خیز ای یتیمان را پدر علی جان

از بهرشان غذا به بر علی جان

ص: ۵۵

حضرت امام حسن عليه السلام

جگر گوشه آل طه سلام

نخستین گل باغ زهرا سلام

دلم رفت از دست تابی بده

سلام علیکم جوابی بده

« خروش اصفهانی »

ص: ۵۶

حجت ابن الحسن کن نظر مهديا

پاره پاره شده جگر مجتبی

گل زهرا حسن ، یا حسن یا حسن

قدسیان در سما همه در زمزمه

در عزای حسن پسر فاطمه

گل زهرا حسن، یا حسن یا حسن

از دل شیعیان خیزد شراره

جگر مجتبی شد پاره پاره

ای به عالم طیب

در وطن هم غریب

یا حسن یا حسن امام مظلوم

ای غریب مدینه یابن زهرا

سوز آهت به سینه یابن زهرا

پیش چشم ترت

کشته شد مادرت

یا حسن یا حسن امام مظلوم

ای ماهی دریا برایت گریه کرده

پیغمبر و زهرا برایت گریه کرده

عالم محیط غربت

زائر ندارد تربت

مظلوم حسن جان

ای اولین مظلوم عالم بعد بابا

درخانه خودهم غریب از جور اعدا

شریک زندگانیت

گردیده خصم جانیت

مظلوم حسن جان

ص: ۵۷

ای همه غصّه ها قصّه صبر تو

نیمه شب فاطمه زائر قبر تو

یا حسن یا حسن یا حسن یا حسن

حجت بن الحسن بر سر تربت

می کند تا سحر گریه بر غربت

یا حسن یا حسن یا حسن یا حسن

ای اشک پیغمبر بر غربت جاری

بر تربت ممنوع باشد عزاداری

مظلوم حسن جانم ، مظلوم حسن جانم ، مظلوم حسن جان

بر غربت گریان ای زاده زهرا

هم ماهی دریا، هم آهوی صحرا

مظلوم حسن جانم ، مظلوم حسن جانم ، مظلوم حسن جان

ای دل صابرين عالم خون ز صبرت

صبر تو پیدا بود از غربت قبرت

قبر تو کعبه حاجت مرد و زن

یا حسن یا حسن یا حسن یا حسن

سلام شیعیان به قلب پر ز داغت

به روح پاک و قبر بی شمع و چراغت

زائر قبر تو حجت بن الحسن

یا حسن یا حسن یا حسن یا حسن

ص: ۵۸

یا حسن از مصیبت فرشته ها گریه کنند

بهشتیان ناله زنند ارض و سما گریه کنند

تنهاترین مظلوم عالم

صفر شد از غمت محرم

عزیز فاطمه حسن جان (۲)

مظلومیت تکمیل شد با غربت تشیع تو

شیعه بسوزد دلش از ویرانی بقیع تو

این داغ تا ابد بماند

مهدی ز دیده خون فشاند

عزیز فاطمه حسن جان (۲)

من امام مجتبی ریحانه پیغمبرم

از چراغ انجمن در انجمن تنهاترم

من غریب خانه ام

در وطن بیگانه ام

وا غریبا واحسن، وا شهیدا واحسن

از غم بی یاریم خون بر دل یاران شده

جسم از گل بهترم با تیر گلباران شده

غرق خون شد پیکرم

نزد قبر مادرم

وا غریبا واحسن ، وا شهیدا واحسن

ص: ۵۹

ای حرم خلوتت باغ بهشت همه

دسته گل تربت خون دل فاطمه

فاطمه، فاطمه، گریان برایت

حسن جان، حسن جان، جانم فدایت

شمع دل و دیده فاطمه اطهری

همچو علی در وطن از همه تنهاتری

گوشه خانه شد ماتم سرایت

حسن جان، حسن جان، جانم فدایت

آسمان از ما گرفتی عاقبت سه مقتدا را

هم پیمبر، هم رضارا، هم امام مجتبی را

می زند زهرای اطهر، از سه غم بر سینه و سر

ای مدینه خون روان از قلب سنگ خاره کردی

وا مصیبت قلب پاک مجتبی را پاره کردی

می زند زهرای اطهر، از سه غم بر سینه و سر

ص: ۶۰

خون بود از دیده روان به عزای حسن بن علی

ای پدر و مادر من به فدای حسن بن علی

جانم دو عالم به فدای حسن

گریه کن ای دیده برای حسن

عزیز زهرا حسن، غریب و تنها حسن

ای ز همه عرض سلام به مزار و حرم و تربت

گوش دلم می شنود همه جا زمزمه غربت

ای دل شیعه به عزایت کباب

زائر هر روزه تو آفتاب

عزیز زهرا حسن، غریب و تنها حسن

شهید مظلوم بقیع ای غریب وطن

کریم آل فاطمه شمع هر انجمن

خاتم الانبیاء، بر تو دارد عزا، یا حسن، یا حسن

ای گل پر پر شده گلشن فاطمه

قصه مظلومی تو بر زبان همه

دیده قدسیان، بر تو شد خونفشان، یا حسن یا حسن

شب قتل امام مجتبی شد

آسمان و زمین غرق عزا شد

در مدینه ، شور محشر، گشته بر پا

وا اما ما وا غریبا و شهیدا

شیعیان شد خزان لاله زهرا

زند آتش به جان ناله زهرا

سوگواری، می کند با آل طاها

وا اما ما وا غریبا و شهیدا

چشم پیغمبر و زهر است گهر بار حسن

به خدا ماهی دریاست عزادار حسن

ای غریب وطنم گل زهرا حسنم

ای فلک خون جگر ریخته در ساغر تو

لاله باران شده از تیر چرا پیکر تو

ای غریب وطنم گل زهرا حسنم

اگر حرم نداری دل های عاشقان هست

گریه غربت تو در چشم عاشقان هست

شرح غمت حکایتی بود از غم تو روایتی بود

مظلوم حسن مظلوم حسن جان

اگر حرم نداری صفر محرم تو

سفارش فاطمه تازه شود غم تو

اشکی که از غمت بیارد حضرت زهرا دوست دارد

مظلوم حسن مظلوم حسن جان

ص: ۶۲

ای شهید صبر و غم های مدینه

ای چراغ عالم آرای مدینه

دل بسوزد به عزایت جان عالم به فدایت

ای حسن جانم حسن جان

قصه صبر تو با گریه نوشته

سایه بان حرمت بال فرشته

از غمت هر جا سخن هاست در عزایت انجمن هاست

ای حسن جانم ، حسن جان

ای از شهادت خونین دل تو

خون دل تو شد قاتل تو

جان پرشراره دل پاره پاره مظلوم حسن جان

حریر غربت پوشیده جسمت

از هر طرف تیر بوسیده جسمت

جان پرشراره دل پاره پاره مظلوم حسن جان

حجت بن الحسن ای شها بنما نظاره

جگر عم تو مجتبی شد پاره پاره

رفته ز دنیا آن حجت الله

سرت سلامت بقیت الله

در مدینه چنان شورش و محشر پیا شد

کز غمش فاطمه در جنان صاحب عزا شد

رفته ز دنیا آن حجت الله

سرت سلامت بقیت الله

ص: ۶۳

حضرت امام حسین علیه السلام (عاشورایی)

هلال ماه محرم - ورود به کربلا

هر سال حماسه ای دگر می آید

این کار فقط ز عشق بر می آید

گویی که زمین و آسمان می گریند

وقتی که محرم از سفر می آید

« خروش اصفهانی »

ص: ۶۴

شب های ماتم آمد ، آقا سرت سلامت

هنگامه غم آمد، آقا سرت سلامت

پوشیده ام دوباره پیراهن عزا را

بوی محرم آمد، آقا سرت سلامت

شال عزا که بستی، قلب همه شکستی

اشک دمادم آمد، آقا سرت سلامت

از عرش مادر تو با سوز یا بُنّی

با قامتی خم آمد، آقا سرت سلامت

ای اهل عزا ماه محرم شده نزدیک

ایام غم و محنت و ماتم شده نزدیک

مظلوم حسین جان، مظلوم حسین جان

ای اهل عزا خون دل از دیده بیارید

چون ماتم شاهنشاه عالم شده نزدیک

مظلوم حسین جان، مظلوم حسین جان

ص: ۶۵

چاووش عزا

قامت کمان آید هلال ماه ماتم

ماه عزا ماه بکا یعنی محرم

ای وای از این غم ای وای از این غم

جبریل شیپور عزا را می دمد باز

یعنی رسد ماه حسین از راه کم کم

ای وای از این غم ای وای از این غم

شیعیان ماه عزا می رسد آماده شوید

ماتم خون خدا می رسد آماده شوید

ماه ماتم می رسد ، چون محرم می رسد

حجه ابن الحسن از داغ حسین گریان است

مهدی فاطمه در بین عزاداران است

ماه ماتم می رسد ، چون محرم می رسد

ماه عزای خسرو لب تشنگان شد

بانگ مصیبت از زمین بر آسمان شد

ای اهل عالم ، شد فصل ماتم

ای شیعیان رخت سیه بر تن بپوشید

شال عزا بر گردن صاحب زمان شد

ای اهل عالم، شد فصل ماتم

ص: ۶۶

هلال ماه غم

چرا رنگ از رخ زهرا پریده

مگر امشب هلال خون دمیده

حسین جانم، حسین جانم، حسین جان (۲)

همه ارض و سما را غم گرفته

به یاد کربلا ماتم گرفته

حسین جانم، حسین جانم، حسین جان (۲)

چاووش بخوان دوباره با غم

برخیز به نغمه محرم

یا آل محمد، ماه ماتم آمد (۲)

عالم به مصیبت حسین است

غمنامه غربت حسین است

دل های ولایی، گشته کربلایی (۲)

پهلو شکسته مدینه

با ناله می زنی به سینه

فصل غم حسینت آمد

محرم حسینت آمد

اشکی بده نم نم بگرییم

چون کوثر و زمزم بگرییم

در ماتم نور دو عینت

شهید کربلا حسینت

ص: ۶۷

مرید اشک غم به ماتمت یا حسین

تمام عمرم شده محرمت یا حسین

حسین حسین یا حسین (۲)

به یاد لب های تو شیعه اگر نوشد آب

ز عرش حق می رسد سلام او را جواب

حسین حسین یا حسین (۲)

گریه کن گریه کن شد محرم

ناله سرده که شد وقت ماتم

شیعه گرید برایت حسین جان

جان عالم فدایت حسین جان

بر سر و سینه زن بی محابا

تازه کن غصه کربلا را

قصه کربلا جانگداز است

شرح رنج و غم و سوز و ساز است

ماه محرم، ماه عزا شد

هنگام جانبازی یاران خدا شد

ماه محرم، ای عاشقان است

هنگام عشق و عاشقی در کربلا شد

ای هلال خون با خود، شور محشر آوردی

یک جهان غم و ماتم، بر پیمبر آوردی

مظلوم ابی عبدالله (۲)

ای هلال خون صدها فتنه زیر سر داری

از شهادت آل فاطمه خبر داری

مظلوم ابی عبدالله (۲)

ص: ۶۸

هلال ماتم

امشب هلال ماه خون در آسمان پیدا شده

رخت سیه بر قامت پیغمبر و زهرا شده

خون گریه کن ای ماه خون

انالیه راجعون

امشب زمین و آسمان دارند ذکر یاحسین

روح از تن پیغمبران پرواز کرده با حسین

خون گریه کن ای ماه خون

انالیه راجعون

ای عزاداران دوباره ماه ماتم آمده

چون محرم آمده (۲)

موسم افغان و آه و شیون و غم آمده

چون محرم آمده (۲)

السلام ای شاه مظلومان شهید کربلا

نور چشم مصطفی (۲)

السلام ای در ره معبود بی همتا فدا

نور چشم مصطفی (۲)

یا فاطمه یا فاطمه دلها پر از غم شد

ماه محرم شد (۲)

دلها چو دشت کربلا صحرای ماتم شد

ماه محرم شد (۲)

ای هلال ماه خون بار دیگر سر زدی

شعله برجان و دل آل پیغمبر زدی

محشر کبری شده

ماه عاشورا شده

ای مه خون گریه کن بر عزیزان خدا

در تو می گردد سر یوسف زهرا جدا

محشر کبری شده

ماه عاشورا شده

ص: ۶۹

هلال ماه ماتم

این هلال ماتم است یا هلال زینب است

اهل عالم را همه و احسینا بر لب است

تسلیت یابن الحسن

رخت ماتم کن به تن

از زمین خیزد خروش از سما آید ندا

تشنه لب رأس حسین می شود از تن جدا

تسلیت یابن الحسن

رخت ماتم کن به تن

سر زد هلال ماه خونین محرم

احرام مشکی بستم از اندوه و ماتم

ماه محرم آمد

هنگام ماتم آمد

خونین دلی دارم هماره در عزایش

مرغ دلم گشته مقیم کربلایش

ماه محرم آمد

هنگام ماتم آمد

حجت ابن الحسن این هلال عزاست

نفس فاطمه بانگ و اویلتاست

همه جا کربلاست

همه جا نینواست

ماه قتل حسین ماه خون خداست

بدنش غرقه خون سرش از تن جداست

همه جا کربلاست

همه جا نینواست

ص: ۷۰

محرم

حجت بن الحسن ماه ماتم رسید

تسلیت تسلیت که محرم رسید

خون بیار از دو عین

گریه کن بر حسین

یا حسین یا حسین (۲)

حاجیان آمدند در وطن سر به سر

حاجی فاطمه شد کجا در به در

خون بیار از دو عین

گریه کن بر حسین

یا حسین یا حسین (۲)

ای شیعیان ماه محرم شد

ماه عزا و ماه ماتم شد

یا عترت الزهرا

شد موسم غم ها

ای شیعیان وقت عزاداریست

سبط نبی را موسم یاریست

یا عترت الزهرا

شد موسم غمها

گشته عالم ، غرق ماتم

سر زد از نو هلال محرم

خیزد از خاک ، تا به افلاک

ناله از قلب اولاد آدم

ص: ۷۱

ماه ماتم

می رسد هر جا بگوش بانگ چاووش عزا

کوچه ها و تکیه ها شد سیه پوش عزا

بسته عالم ، عهد ماتم

در محرم با حسین

اهل دل بر سر زنان بیقراری می کنند

در غم خون خدا سوگواری می کنند

چشم گریان، سینه سوزان

ذکر لبها یا حسین

مردم عالم عزاداری کنید

جای اشک از دیده خون جاری کنید

قاصد غم آمده

ماه ماتم آمده

ماه خون ماه شرف، ماه خداست

ماه یاری شهید کربلاست

قاصد غم آمده

ماه ماتم آمده

ماه محرم ، ماه عزا شد

ای شیعه این مه کربلا غوغا بپا شد

از قوم دون بر آل طاها بس جفا شد

شد ظلم بی حد ، بر آل احمد

دست علمدار حسین از تن جدا شد

فرق علی اکبر ز تیغ کین دوتا شد

محرم شد محرم، غم آمد بر سر غم

شده هنگام ماتم ، بریز اشک دمام

محبان خون بگریید

حسین را تشنه کشتند

حسین جانم حسین جان، حسین جانم ، حسین جان

چرا از غم ننالیم، چرا ما خون نگریم

عزای شاه دین است، دل زهرا غمین است

محبان خون بگریید

حسین را تشنه کشتند

حسین جانم حسین جان، حسین جانم ، حسین جان

سرت سلامت رسول خاتم

دوباره سر زد هلال ماتم

فرشتگان آسمانی

رسیده فصل نوحه خوانی

حسین حسین حسین مظلوم (۲)

هلال خون سر نزن دوباره

که می زنی بر جگر شراره

شهادت عزیز زهراست

تنش بروی خاک صحراست

حسین حسین حسین مظلوم (۲)

این هلال ماه خون یا آفتاب محشر است

ماه پر پر گشتن گل‌های باغ حیدر است

ملک هستی کربلاست

فاطمه صاحب عزاست

ماه جانبازی یاران فداکار آمده

ماه بی دستی عباس علمدار آمده

ملک هستی کربلاست

فاطمه صاحب عزاست

ص: ٧٤

بهر جانان ، داده ای جان

جان عالم فدایت حسین جان (۲)

ماه تابان ، هستم از جان

عاشق کربلایت حسین جان (۲)

هر کس که پا گذارد در راه آشنایی

می خواهد از خدایت یک دل کربلایی

سَلِّمْ ، سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَکُمْ

حَرْبٌ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَکُمْ

تمام آرزوها خلاصه در یک کلام

محبت و معرفت بوسه به قبر امام

طوبی طوبی لزوار حسین

هستی هستی خریدار حسین

از شور غمت صاحب زمزم شده ام من

مُحَرَّمِ شده ماه مُحَرَّمِ شده ام من

مجنون حسینم ، دلخون حسینم

حق شور تراروز ازل در سرم انداخت

برگردن من شال عزا مادرم انداخت

مجنون حسینم ، دلخون حسینم

ص: ۷۵

گرد عزا بر عالم نشسته

قلب علی و زهرا شکسته

یا اهل العالم شد ماه ماتم

ماه عزای فرزند زهراست

ماه تاسوعا ماه عاشورا است

یا اهل العالم شد ماه ماتم

یا بن الحسن، یا بن الحسن خون قلب عالم شد

ماه محرم شد

ماه عزا آمد یوم الجزا آمد

دلها چو دشت کربلا کانون ماتم شد

ماه محرم شد

ماه عزا آمد یوم الجزا آمد

ص: ۷۶

محرم شد، محرم شد

هلال ماه غم دمیده

سیه پوشیم، سیه پوشیم

که قامت فلک خمیده

بگو تو با دو چشم گریان

حسین حسین حسین جان

شده بر پا، شده بر پا

عزای سید شهیدان

عزا داریم، عزا داریم

برای سید شهیدان

بگو تو با دل پریشان

حسین حسین حسین جان

شیعیان ماه شو رونوا شد

موسم گریه وقت عزا شد

شد مه محرم شد زمان ماتم در غم حسین

شد محرم بنال ای دل زار

گریه کن گریه کن گریه بسیار

وقت آه و زاریست اوج بیقراریست در غم حسین

ص: ۷۷

ورود به کربلا

السلام ای جان عالم یا حسین

آمدی دروادی غم یا حسین

ای مسافر این دیار

می شود با تو بهار

خیر مقدم یا حسین (۲)

کاروان عاشقان دنبال تو

تیغ و خون آید به استقبال تو

آمدی مهمان عشق

با گل و ریحان عشق

خیر مقدم یا حسین (۲)

آمده بار دگر ماه عزایت یا حسین

سینه می سوزد ، دلم گرید برایت

دل سرایت یا حسین

جان فدایت یا حسین

کاروان عشق را همراه خود آورده ای

بهر ایثار و شهادت لاله ها پرورده ای

دل سرايت يا حسين

جان فدايت يا حسين

ص: ٧٨

بار دیگر زغم می رسد این ندا

زد به آه و فغان خیمه در کربلا

نور چشم علی پور زهرا حسین

یا حسین یا حسین یا حسین یا حسین

بر سما از زمین آتش غم رسد

بوی اندوه و غم بوی ماتم رسد

چون خیام عزا کرده بر پا حسین

یا حسین یا حسین یا حسین یا حسین

ای کرب و بلا اشک غم از دیده چکیده

از بیت خدا قافله عشق رسیده

این قافله اکنون، دارد غم و ناله

آورده به همراه ، هفتاد و دو لاله

مظلوم حسین جان (۲)

ای کرب و بلا جانب تو آمده زینب

دارد ز غمی خون بدل و زمزمه بر لب

کای جان برادر، بشکسته دل من

در ماتم و اندوه ، بنشسته دل من

مظلوم حسین جان (۲)

ای کربلا امشب آغوش خود واکن

مهمان نوازی از فرزند زهرا کن

یاری ز آل الله در نزد اعدا کن

از خونشان خاک خود را مصفا کن

حجاج کعبه خون به کربلا رسیدند

سرهای سرخ خود را بالای نیزه دیدند

محشر بپاست اینجا

کربلاست اینجا

یاران گل شهادت از این زمین بچینید

گودال قتلگه را با چشم خود ببینید

محشر بپاست اینجا

کربلاست اینجا

ص: ۷۹

ورود به کربلا

لب تشنه جام بلا، ابی عبدالله

خوش آمدی به کربلا ابی عبدالله

یا ثار الله و بن ثاره

خوش آمدی با آن همه، لاله و یاست

اینجا جدا از تن شود، دست عباس

یا ثار الله و بن ثاره

ای سر افرازان صحرای بلا

حاجیان کعبه کرب و بلا

این منای عشق ماست

سرزمین کربلاست

در طواف کعبه قرب خدا

دست عباسم شود از تن جدا

این منای عشق ماست

سرزمین کربلاست

آمده از حرم جانب وادی خون

پور صاحب حرم تا که کند حج خون

خسرو عالمین

جان و جانان حسین

واغریبا واغریبا

کاروانی پر از گل ز گلستان عشق

همه آماده بر درگه سلطان عشق

بهر پرپر شدن

صید خنجر شدن

واغریبا واغریبا

خنجر از بهر خنجر آوردی

اکبر آوردی، اصغر آوردی

یا حسین ، یا حسین ،خوش آمدی به کربلا عزیز زهرا

تا دهی قربان در راه جانان

قاسم و عون و جعفر آوردی

یا حسین ، یا حسین ،خوش آمدی به کربلا عزیز زهرا

ص: ۸۰

ورود به کربلا

کربلا یا کربلا بر تو مهمان می رسد

خامس آل عبا با جوانان می رسد

مهمان نوازی کن از یوسف زهرا

فغان و واویلا از ظهر عاشورا

کربلا یا کربلا قامت اکبر بین

صورت نورانی شبه پیغمبر بین

مهمان نوازی کن از یوسف زهرا

فغان و واویلا از ظهر عاشورا

دسته گل های باغ خاتم الانبیا

گشته وارد به سرزمین کربلا

اهل ارض و سماء

می دهند این ندا

آمد گل زهرا

ذبیح عاشورا

آمده تا که هفتاد و دو قربان کند

بهر یاری دین فدای جانان کند

تا شود استوار

دین پروردگار

آمد گل زهرا

ذبیح عاشورا

ص: ۸۱

ورود به کربلا

کاروان ، کاروان، از مکه بسته محمل

آید منزل به منزل

بقیت الله، بقیت الله

می آیند، می آیند ، چهره های نورانی

هفتاد و دو قربانی

بقیت الله، بقیت الله

شیعیان خاکم به سر در نینوا آمد حسین

کربلا آمد حسین (۲)

سر به کف از بهر تیغ اشقیا آمد حسین

کربلا آمد حسین (۲)

کاروان عزا می آید

بسوی کربلا می آید

از مدینه ابا عبدالله

بدشت نینوا می آید

فاطمه گردد بی پسر ای ناقه ها آهسته تر
سقا شود بی دست و سر ای ناقه ها آهسته تر

صد پاره از تیغ جفا جسم علی اکبر شود
واویلتا از این سفر ای ناقه ها آهسته تر

در این بیابان که قدم گذاری ای همدم من
از دل من باخبری غم تو باشد غم من

ای تو همه بهانه ام

دلخوشی زمانه ام

حسین من، حسین من

تو سایه سر منی عزیز مادر منی

ترسم ز من جدا شوی اکنون که در بر منی

دلم بدست غصه هاست

گمانم اینجا کربلاست

حسین من ، حسین من

ص: ۸۲

ورود به کربلا

اسم این خاک پر از غم چیست بویش آشناست

این زمین کربلاست

خیمه را برپا کنید این خاک از عرش خداست

این زمین کربلاست

آمد از ره یادگار فاتح بدر و حنین

نور چشم عالمین

کربلا آماده شو کرب و بلایی شد حسین

نور چشم عالمین

خواهرت زینب کجا و خاک صحرا یا حسین

کربلا منزل مکن

جان من بر لب رسیده جان زهرا یا حسین

کربلا منزل مکن

زینب اینجا وادی درد و بلاست

این زمین کربلاست

رأس ما اینجا به روی نیزه هاست

این زمین کربلاست

ص: ۸۳

ورود به کربلا

کربلا مهمان نوازی کن که مهمان آمده

یوسف زهرا برای دادن جان آمده

کربلایی شد حسین

نینوایی شد حسین (۲)

از گلستان مدینه اشجع الناس آمده

کربلا عطر و گلاب آور که عباس آمده

کربلایی شد حسین

نینوایی شد حسین (۲)

جوانان بیائید که آغاز غم ماست

رسیدیم رسیدیم همین جا حرم ماست

عجب شور و نوایی

عجب کربلایی (۲)

همین جا، همین جا ز شمشیر و ز خنجر

شود چون گل پرپر جوانم علی اکبر

عجب شور و نوایی

عجب کربلایی (۲)

ورود به کربلا

از بیابان حجاز کعبه جان آمده

بهر قربانی حسین با جوانان آمده

کربلا یا کربلا

بر تو مهمان آمده (۲)

کربلا آماده باش وقت مهمان داری است

از چه بادیدارتو اشک زینب جاری است

کربلا یا کربلا

بر تو مهمان آمده (۲)

ای سواران، جان نثاران

مقتل عاشقان این زمین است (۲)

یکسر اینجا، پرپر اینجا

مقتل عاشقان این زمین است (۲)

یاران باوفای من کربلا اینجاست

مروه من صفای من نینوا اینجاست

کربلا اینجاست

نینوا اینجاست (۲)

اینجا شود هفتاد دو لاله ام پر پر

اینجا زیارتگاه ماست تا صف محشر

کربلا اینجاست

نینوا اینجاست (۲)

ص: ۸۵

ورود به کربلا

اهلاً و سهلاً مرحباً ابی عبدالله

خوش آمدی به کربلا ابی عبدالله

حسین حسین، حسین حسین، ابی عبدالله

نسل جوان گریه کنید آه و واویلا

آمده در کربلا لاله لیلا

حسین حسین، حسین حسین، ابی عبدالله

کربلا آماده شو بهر تو مهمان می رسد

زاده زهرا حسین با نوجوانان می رسد

کربلا یا کربلا، وادی رنج و بلا (۲)

کربلا اکنون علی اصغر شیرین زبان

با علی اکبر آن سرو خرامان می رسد

کربلا یا کربلا، وادی رنج و بلا (۲)

ای کربلا آماده شو بهر تو مهمان می رسد

فرزند دلبنده علی با خیل یاران می رسد

ای کربلای پر بلا ای قبله اهل ولا

از کعبه و کوی منا بهر تو قربان می رسد

ص: ۸۶

کربلا جلوه گه نور خداست

قبله گاه اهل ایمان کربلاست

دل ما در آن حرم پرزند همیشه دم

یا حسین مولا حسین

یابن زهرا یا حسین

خون بود قلب امام عصر ما

از غم و داغ شهید کربلا

آن امام منتظر

اشک ریزد از بصر

یا حسین مولا حسین

یابن زهرا یا حسین

شب های جمعه زهرا پریشان

گرید برای شاه شهیدان

گوید که نور عینم ای بیفکن حسینم

مظلوم حسین جان

گریم برای آن میرلشکر

کاخر جدا شد دستش ز پیکر

سقای کودکانت

غمخوار خواهرانت

مظلوم حسین جان

ص: ۸۷

حضرت مسلم ابن عقيل عليه السلام

سلام ايزد منان سلام جيرائيل

سلام شاه شهيدان به مسلم ابن عقيل

به آن نيابت عظمای سيد الشهدا

به آن جلال خدایي به آن جمال جميل

« رياضي يزدي »

ص: ۸۸

سربازم ، سرباز وفادار حسینم

مانند، ابوالفضل پرچمدار حسینم

من اولین قتیلیم

مسلم بن عقیلم

اگر از روی بام آتش به فرقم ریزد

فریاد یا حسین از وجود من خیزد

من اولین قتیلیم

مسلم بن عقیلم

ای کاش عزیز جان ما کوفه نیاید

فرزند عزیز مصطفی کوفه نیاید

سرورم حسین است

رهبرم حسین است

او سید و سالار جوانان بهشت است

در قافله اش لاله و ریحان بهشت است

کوفه پر فریب است

مسلم چه غریب است

دیده گریان، چهره خونین، دل شکسته

زائرت گردیده ام با دست بسته

ای حسین جان، ای حسین جان، ای حسین جان

در میان دشمنان یاری ندارم

جز دو فرزندم عزاداری ندارم

ای حسین جان، ای حسین جان، ای حسین جان

ص: ۸۹

به شهر کوفه بی یار و حبیبم

غریبم من غریبم من غریبم

به یاد تو چکد اشکم به دامان

میا کوفه میا کوفه حسین جان

در اینجا بویی از مهر و وفا نیست

همه دشمن ولی یک آشنا نیست

شده در کوچه ها آواره مهمان

میا کوفه میا کوفه حسین جان

دارالاماره کربلا، احرام خونین جامه ام

مولا حسین مولا حسین، گشته زیارتنامه ام

من و عکس خیال حسینم

شده کعبه جمال حسینم

حسین حسین حسین حسین میا کوفه

ای کوچه ها ای کوچه ها، امشب مرا یاری کنید

فردا به خاطر حسین، بر من عزاداری کنید

شب آخر من بود امشب

که به فکر حسینم و زینب

حسین، حسین، حسین حسین میا کوفه

ص: ۹۰

از بام کوفه می رسد این ندا

مسلم شده فدای خون خدا

لب تشنه گردد سرش از تن جدا

شمس ولایت، مسلم فدایت

من عاشق امام عالمینم

اشک ولایت ریزد از دو عینم

زائر دست بسته حسینم

شمس ولایت، مسلم فدایت

سلامت کردم از دارالعماره

بین گردیده جسمم پاره پاره

حسین جانم، حسین جانم، حسین جان

سرم را افکنم بر خاک پایت

دو طفل کوچکم گردد فدایت

حسین جانم، حسین جانم، حسین جان

تو مسلمی و نایب فرزند رسولی

قربانی ریحانه زهرای بتولی

یا حضرت مسلم (۲)

سرداری و سرباز فداکار حسینی

مانند ابوالفضل علمدار حسینی

یا حضرت مسلم (۲)

ص: ۹۱

مسلم بی یار توام ابی عبدالله

عاشق دیدار توام ابی عبدالله

حسین حسین ابی عبدالله (۲)

کوفه شده قتلگهم ابی عبدالله

عشق تو باشد گنهم ابی عبدالله

حسین حسین ابی عبدالله (۲)

من که یار پسر فاطمه ام

سر بدار پسر فاطمه ام

اول قتیلیم ، نجل عقیلیم

من که در کوفه گرفتار توام

فکر عباس علمدار توام

به جان پیغمبر، از این سفر بگذر

ای رهبر و مرادم ای حجت الهی

در کوچه های کوفه یک لحظه کن نگاهی

من مسلم غریبم ، تنها تویی حبیبم

امشب به تیره گیها در موج غصه غرقم

فردا بریزد از بام آتش بر روی فرقم

من مسلم غریبم، تنها تویی حسیبم

ص: ۹۲

دو دمه

حسین جان، آگهی از حال مسلم

ز سنگ غم شکسته بال مسلم

ای پسر فاطمه کن نگاهم

دارالاماره گشته قتلگاهم

ای یوسف زهرا حسین

میا به کوفه یا حسین

عزیز فاطمه فرقم شکسته

سلامت می کنم با دسته بسته

از نخل دین برگ و شکوفه ریزد

خون از سر غریب کوفه ریزد

ص: ۹۳

جناب حُرّ علیه السلام

یا حسین حُرّ گنهکارت منم

تا قیامت عبد در بارت منم

خاک عباس عملداریت منم

توبه کردم یا حسین (۲)

من سر راه تو بستم یا حسین

قلب زینب را شکستم یا حسین

از رُخت شرمنده هستم یا حسین

توبه کردم یا حسین (۲)

مولا مولا عبد پشیمانم

العفو العفو محتاج غفرانم

حُرّ گنهکارم ، شرم از رُخت دارم

حَرَم حَرَم راه ترا بستم

در راه در راه قلب تو بشکستم

حر گنهکارم ، شرم از رُخت دارم

ای مظهر غفارم من حُرّ گنهکارم

ای حجت دادارم من حرّ گنهکارم

تا آبرویم بخشی ده رخصت پیکارم
با غربت تو در تن جان می دهم آزارم

خیمه به کویت زده جان و دلم یا حسین

از تو و از زینبت من خجلم یا حسین
کن مددم یا حسین مکن ردم یا حسین

ای همه لطف و عطا حرّ پشیمان منم
آه که در دشت غم بی سر سامان منم
خون خدا یا حسین روح صفا یا حسین

ص: ۹۴

مولای من آقای من یک جان آگاهم بده

در بزم عاشورائیان راهم بده راهم بده

یا حسین یا حسین یا ثارالله (۲)

در پشت خیمه های توسر را به زیرافکنده ام

از زینب و ازکودکان شرمنده ام شرمنده ام

یا حسین یا حسین یا ثارالله

جناب حر شهید علیه السلام

حر خطا کار و گنهکارم حسین جان

امید عفو از درگهت دارم حسین جان

تویی بحر غفران ز من رو مگردان

حسین جان حسین جان (۲)

من آمدم تا بوسه برگیرم ز پایت

تا آنکه دستم را بگیری از عنایت

تویی بحر غفران ز من رو مگردان

حسین جان حسین جان (۲)

با دیده گریان به بر سبط پیمبر

شد حرّ دلاور (۲)

جانباز سرکوی تو با قلب مکدر

شد حرّ دلاور (۲)

ص: ۹۵

جناب حبیب علیه السلام

اگر حبیب است یار غریب است

چه باوقار است چه بی شکیب است

قاری قرآن آمده یاری قرآن

مظلوم حسین جان (۲)

پیر محبت در جانفشانی

در قدم یار دارد جوانی

هدیه جان آورده در حضور جانان

مظلوم حسین جان (۲)

من حبیبم حبیبم حبیبم

عاشق سید العالمینم

یا حسین یا حسین یابن زهرا (۲)

من حسینی شدم از ولادت

از شهادت گرفتم سعادت

یا حسین یا حسین یابن زهرا (۲)

ص: ۹۶

جان نثار راه تو من حبیبم یا حسین

بنده درگاه تو من حبیبم یا حسین

اگر دهی اذنم عازم میدانم

مولا حسین جانم مولا حسین جانم

من حبیبم یا حسین عشق تو محبوب من

دست و پا درخون زدن بهترین مطلوب من

جان بر سر دستم عاشق جانانم

مولا حسین جانم مولا حسین جانم

تو بهترین یار منی یا حبیب

یار فداکار منی یا حبیب

خوش آمدی یا حبیب (۲)

خوشا به احوال تو با این مقام

که زینبم بر تو رسانده سلام

خوش آمدی یا حبیب (۲)

حضرت علی اکبر علیه السلام

عزیز شاه می آید به میدان

خدایا ماه می آید به میدان

گمان کردند لشکر اول کار

رسول الله می آید به میدان

« خروش اصفهانی »

ص: ۹۸

گل سرخ پر برم ای علی اکبرم

سخن بگو، سخن بگو سوخت ز داغت جگرم

ای فروغ بصرم، پسرم ای پسرم

نخل مصییم که از شاخه جدا شد ثمرم

اکبرم نور دلم روح روانم پسرم پسرم ای پسرم

تو به خون غرقه و من شعله بجانم پسرم پسرم ای پسرم

ای در شمایل بر محمد اشبه الناس

ای معو خورشید جمالت چشم عباس

لاله پرپر حسین علی اکبر حسین جانها فدایت

یاد لب خشک تو گریان بو تراب است

پیغمبر اکرم به دستش جام آب است

لاله پرپر حسین علی اکبر حسین جانها فدایت

ای اهل حرم سوی حرم اکبرم آمد

صد پاره بدن، نور دو چشم ترم آمد

علی شبه پیمبر علی ای گل پر پر

ای یوسف خونین بدن یوسف زهرا

خون گلویت ریخته در دامن صحرا

علی شبه پیمبر علی ای گل پر پر

من اشبه الناس به پیغمبرم

یوسف کربلا علی اکبرم

قیامم حسین است امامم حسین است

ای اهل عالم

ما غیر حق راهی نمی شناسیم

از مرگ در این ره نمی هراسیم

راه حق همین است حقیقت چنین است

ای اهل عالم

ص: ۱۰۰

قوت قلبم علی روح و روانم

نور دو چشم ترم تازه جوانم

لاله پرپریم ای علی اکبرم

جلوه روی ترا قمر ندارد

از دل بابت کسی خیر ندارد

لاله پرپریم ای علی اکبرم

فتاده از شور و نوا به موج خون بلبل من

چوپاره های دل من جدا شد از هم گل من

علی علی من پدرم سخن بگو ای پسر

بهار بی خزان من چرا شدی خزان بگو

ز جای خیز و بهر من دوباره یک اذان بگو

علی علی من پدرم سخن بگو ای پسر

قاری قرآن من اکبر به میدان می رود

از تنم جانم می رود (۲)

روح من ریحان من از بهر قربان می رود

از تنم جانم می رود (۲)

ص: ۱۰۱

ای جوانان به من و نعش جوانم نگرید

جسم پاشیده ز هم را سوی خیمه ببرید

ای چراغ سحرم علی اکبرپسرم (۲)

دیده بگشا که سکوت تو مرا کشت علی

قاتل من بود آن کس که ترا کشت علی

ای چراغ سحرم علی اکبرپسرم

ای اهل کوفه من علی اکبرم

سر تا قدم شبیه پیغمبرم

یار حسینم (۲)

آمده ام که ارباً اربا شوم

فدایی یوسف زهرا شوم

یار حسینم (۲)

ص: ۱۰۲

ستاره سحرم، علی علی پسر

ز داغ خود زده ای، شراره بر جگرم

روح و ریحانم علی قوت جانم علی

ای علی اکبرم (۲)

نهان چگونه کنم، جراحت تن تو

که عمه آمده از حرم بدیدن تو

با همه تاب و تبم من به فکر زینم

ای علی اکبرم (۲)

یا محمد، یا محمد، اکبرت نقش زمین شد

از همه سو، حمله بر او، از یسار و ازیمین شد

ای مسیح پاره پاره پیکرم چشم خود واکن علی اکبرم

ای علی جان (۲)

نجل زهرا، ماه لیلا، چشم خود را از چه بستی

یک صدا زن، دست و پازن، تا بینم زنده هستی

یا به روی من تبسم کن علی یا که با زینب تکلم کن علی

ای علی جان (۲)

دو دمه

وای من و وای من و وای من

پر پر شده لاله لیلائی من

یا رحمت للعالمین

اکبر شده نقش زمین

حضرت فاطمه کند نظاره

قرآن لیلا شده پاره پاره

ای جوانان بهر من زاری کنید

بر علی اکبر عزاداری کنید

از جسم من جان می رود خدایا

اکبر به میدان می رود خدایا

تویی مرا روح و روان علی جان

بار دگر بگو اذان علی جان

تویی جگر گوشه من علی جان

با پدرت بگو سخن علی جان

عمر علی اکبر شد تمام

یا ابتا علیک منی السلام

اکبر مرا روح بدن تو بودی

چراغ خیمه های من تو بودی

امشب اگر در کربلا بمانی

مصیبت اکبر من نخوانی

ص: ۱۰۴

حضرت قاسم علیه السلام

چه کردی با دل شیدای قاسم

عمو بگذار خود را جای قاسم

حسن جان! روز عاشورا نبودی

عسل می ریخت از لب های قاسم

« خروش اصفهانی »

ص: ۱۰۵

ای بنی هاشم چراغ آل هاشم کشته شد

بی زره سرباز ثارالله قاسم کشته شد

ای گل باغ حسن قاسم گلگون بدن (۲)

ای گل پر پر شده، از زخم های تن بگو

از فشار نیزه و شمشیرها با من بگو

ای گل باغ حسن قاسم گلگون بدن (۲)

در خیام حسین ز گریه طوفان شده

قاسم بن الحسن عازم میدان شده

یادگار حسن کرده در بر کفن

وای حسین جان (۲)

پسر فاطمه جان ز تنش می رود

که جگر گوشه برادرش می رود

مادرش در فغان عمه اش موکنان

وای حسین جان (۲)

جوانان حسینی، کجائید کجائید

به کف لاله بگیرید، بیاند بیاید

گل یاسمن آمد یتیم حسن آمد

بیا مادر قاسم، بیا خواهر قاسم

که رخساره بشوئید ز خون سر قاسم

گل یاسمن آمد یتیم حسن آمد

ص: ۱۰۶

از صدر زین فتادم عمو برس بدادم

طفلم ولی به راهت مردانه سر نهادم

فتح و شهادت من باشد سعادت من

زیر سم ستوران اعضای من شکسته

زهرا کنار نعشم با مجتبی نشسته

فتح و شهادت من باشد سعادت من

ماه دل آرای حسن، هنگامه بر پا میکند

قاسم به میدان رفته و دارد چه غوغا می کند

رفته به میدان بی زره، کار عدو خورده گره

خون عدو را یک به یک جاری به صحرا می کند

من یادگار مجتبیایم فدایی خون خدایم

برشهادت عازم من

قاسم من قاسم من -

این من و این خون گلویم تا پای جان یار عمویم

بر شهادت عازم من

قاسم من قاسم من -

دو دمه

سرت سلامت یا حسن قاسم به تن کرده کفن

وای یتیم حسنم قاسم صد پاره تنم

قاسم در خون نشسته ای عمو

استخوانهایم شکسته ای عمو

ص: ۱۰۷

حضرت عبدالله عليه السلام

ای عمو تا ناله هَل مِن معینت را شنیدم

از حرم تا قتلگه با شوق جانبازی دویدم

گرچه طفلی کوچکم، اما قبولم کن عمو جان

بر سر دست تو، من قربانی شش ماهه دیدم

« سازگار میثم »

ص: ۱۰۸

عموی بی سپاه من، همه سپاه تو منم

اگرچه دست کوچکم جدا شود از بدنم

عمو شوم فدای تو (۲)

اگرچه طفل کوچکم روحی لك الفدا عمو

خدا کند به جای دست سرم شود جدا عمو

عمو شوم فدای تو (۲)

ای عمو عبداللهم من یادگار مجتبی

گشته ام حاجت روا (۲)

وعده ما ای عمو باشد بروی نیزه ها

گشته ام حاجت روا (۲)

نور چشم مجتبی ده ساله کربلا

دستش از تن شد جدا (۲)

در کنارشاهدین درخاک و خون زددست و پا

دستش از تن شد جدا (۲)

ص: ۱۰۹

حضرت علی اصغر علیه السلام

پدر محو گلوی پاره توست

مصیبت بیشتر درباره توست

لالا، لالا بخواب اصغر در این دشت

زمین و آسمان گهواره توست

« خروش اصفهانی »

ص: ۱۱۰

من آخرین ستاره حسینم

سرباز شیر خواره حسینم

حجت اکبرم علی اصغرم

ای اهل عالم

سرباز شش ماهه سر جدایم

دسته گل حسین بر خدایم

حجت اکبرم علی اصغرم

ای اهل عالم

شش ماهه من با جگر تشنه فدا شد

با تیر شعبه سرش از بدن جدا شد

مظلوم علی اصغر (۲)

ای حرمله آتش زدی آخر جگرم را

کشتی لب تشنه روی دستم پسر م را

مظلوم علی اصغر (۲)

گل بهشت شهدا اصغر

غنچه معصوم خدا اصغر

شهید عطشانم کوثر قرآنم

فدای خون بیگناه تو

خنده و آخرین نگاه تو

شهید عطشانم کوثر قرآنم

ص: ۱۱۱

ای اصغر (۲) ای کودک جانبازم

ای آخرین سربازم

شیرین زبانم

از تشنه کامی رنگ از رخسارت پریده

مجاهد شش ماهه در عالم که دیده

چه گویم (۲) جواب مادرت را

سکینه خواهرت را

شیرین زبانم

از تشنه کامی رنگ از رخسارت پریده

مجاهد شش ماهه در عالم که دیده

غنچه پرپر من ای علی اصغر من

لب بگشا که غیر تو نیست کسی یاور من

لاله احمر من حجت اکبر من

شسته ز خون شد بدنت به پیش چشم تر من

محشر بپا شد در کنار گاهواره

برگشته اصغر با گلوی پاره پاره

از ماتمش میزد به سر گفتا رباب خونجگر

عزیز مادر

دیشب نخفتی تا سحر ای نور رسیده

ناخن زدی بر سینه ام ای نور دیده

بس لالایی لالایی اصغرم

گفتم بخوابی در برم

عزیز مادر

ص: ۱۱۲

عزیز زهرا گل پرپرت کو

گهواره خالی مانده اصغرت کو

اصغر گل زیبای من تویی تو

امضای عاشورای من تویی تو

اصغر گل مدینه حسین است

قبرش به روی سینه حسین است

قحطی آب

افسوس که سقای حرم آب ندارد

شش ماهه به گهواره دگر تاب ندارد

یا حضرت عباس (۲)

خشکیده لب بلبل گلزار مدینه

سقا شده بر اهل حرم چشم سکینه

یا حضرت عباس (۲)

اهل عالم! کوفی امشب میکند مهمان نوازی

وامصیبت بسته شد آب بر عزیزان حجازی

سیدی مولا امیرالمؤمنین

جام خالی در کف طفلان بین

واحسینا (۲)

دل کباب است، قحط آب است بهر گل های مدینه

اشک سقا، گشته جاری بر لب خشک سکینه

خیمه پر شد از صدای العطش

از حرم خیزد ندای العطش

واحسینا (۲)

جان بابا تشنگی زد شعله بر جان العطش

ای پدرجان العطش

تشنه کامی کرده حالم را پریشان العطش

ای پدرجان العطش

آب روان ای عمو به روی ما بسته شد

خون جگر حاصل رباب دلخسته شد

برادرم کرده غش

عمو عمو العطش

شده فرات غرق خون بیاد ما ای عمو

قیامت است از عطش به خیمه ها ای عمو

برادرم کرده غش

عمو عمو العطش

از سوز عطش اصغر من خواب ندارد

حرم آب ندارد، حرم آب ندارد

این غنچه شش ماهه دگر تاب ندارد

حرم آب ندارد، حرم آب ندارد

ص: ۱۱۵

نوگلان چمن باغ ولا تشنه لبند

ای ابوالفضل رشید

کودکان حرم آل عبا تشنه لبند

ای ابوالفضل رشید

نور چشمان رسول دو سرا تشنه لبند

ای ابوالفضل رشید

محرمان حرم عرش علا تشنه لبند

ای ابوالفضل رشید

قحط آب و حریم ولایت

می کند کربلا را روایت

پیش چشم زهرا

شد خزان گلها

وامصیبتا

سینه ها در عزای حسین است

اشک غم ماجرای حسین است

خیمه های قرآن

از عطش پریشان

وامصیتا

امشب به آل الله قحط آب است

قلب سکینه از عطش کباب است

فریاد فریاد

زمین همه بیداد

عباس شمع محفل مدینه

شرمنده از شش ماهه و سکینه

فریاد فریاد

زمین همه بیداد

ص: ۱۱۶

کربلا شد قحط آب

شد دل زهرا کباب

ای ابالفصل رشید

لحظه ای فرما شتاب

ساقی لب تشنگان

در حرم آبی رسان

ای امید کودکان

در حرم آبی رسان

اصغر از سوز عطش

در حرم بنموده غش

از برای طفل خود

می زند بر سر رباب

ساقی لب تشنگان

در حرم آبی رسان

ای امید کودکان

در حرم آبی رسان

به روی آل طاهها آب بستند

دل اطفال زهرا را شکستند

عمو وقت شتاب است

به خیمه قحط آب است

زمین و آسمان در اضطراب است

که اصغر از عطش در التهاب است

عمو وقت شتاب است

به خیمه قحط آب است

ص: ۱۱۷

امشب زمین کربلا در اضطراب است

در خیمه های آل طاها قحط آب است

جان ها کباب است

قحطی آب است

شوری دگر در کربلا افتاده امشب

موج عطش در خیمه ها افتاده امشب

جان ها کباب است

قحطی آب است

کربلا امشب چه غوغاست

العطش تا عرش اعلاست

کودکان از عطش دل کبابند

خیمه خیمه بدنبال آبنند

ای حسین جان، حسین جان، حسین جان

کودکان در التهازند

از عطش در پیچ و تابند

امشب اندر حرم قحط آب است

قلب عالم از این غم کباب است

ای حسین جان، حسین جان، حسین جان

ص: ۱۱۸

ای فرات آب روان جاری کن

عترت فاطمه را یاری کن

رسد از کربلا

نالہ و اعطشا

یا حسین یا مولا

یا اباعبدالله

آب مهریه زهرا باشد

حق ذریه زهرا باشد

بسته شد آب روان

بروی تشنه لبان

یا حسین یا مولا

یا اباعبدالله

شد قحطی آب امشب ای خدا ای خدا

باشد نگران زینب ای خدا ای خدا

خون گشته قلب سقا

واویلا واویلا

واویلتا ، واویلا

واویلا، واویلا

خشکیده لب طفلان ای خدا ای خدا

شد قلب حسین سوزان ای خدا ای خدا

لب تشنه آل طاها

واویلا، واویلا

واویلتا واویلا

واویلا واویلا

ص: ۱۱۹

یابن حیدر یا ابوالفضل سینه ها از غم کیاب است
خیمه های آل عصمت غرق اشک و قحط آب است
دسته گل‌های مدینه، تشنه لب دور سکینه

وحشیان این بیابان جملگی سیراب آبنند
لاله های باغ زهرا از عطش در پیچ و تابند
دسته گل‌های مدینه، تشنه لب دور سکینه

کوفیان عهد خدا بشکسته اند
آب و نان بروی مهمان بسته اند

لاله ها افسرده اند

از عطش پژمرده اند

یا حسین مولا حسین

یابن زهرا یا حسین

قطی آب شده به کربلا

آب نایاب شده به کربلا

سینه ها تفتیده است

کام ها خشکیده است

یا حسین مولا حسین

يابن زهرا يا حسين

ص: ۱۲۰

کربلا قبله دلهاست بیا تا برویم

یوسف فاطمه تنهاست بیا تا برویم

بهریک جرعه آبی به لب آب فرات

در حرم شیون و غوغاست بیاتابرویم

آمد سکینه با فغان

در نزد عباس جوان

گفت ای عموی مهربان

رفت از تنم تاب و توان

وای، از تنشه کامی العطش

وای، بنگر که اصغر کرده غش

عمو تو میر لشکری

ما کودکان را یاوری

فرزند پاک حیدری

بر تشنگان آب آوری

وای، از تنشه کامی العطش

وای، بنگر که اصغر کرده غش

حضرت ابوالفضل علیه السلام

دستی به بلندای مرامش نرسید

نامی به جهان به گرد نامش نرسید

با دست بریده آب می بُرد ولی

یک قطره از آن آب به کامش نرسید

« خروش اصفهانی »

ص: ۱۲۲

ساقی لب تشنگان عباس نام آور منم

جان نثار نور چشم ساقی کوثر منم

می کنم جان فدا

بهر دین خدا

بقای قرآن را، با خون کنم امضاء

من ز خون این دشت سوزان را گلستان می کنم

تا رmq دارم به تن یاری قرآن می کنم

زاده آزاده ام

جان به کف بنهاده ام

بقای قرآن را، با خون کنم امضاء

عباسم و نور دو چشم مرتضایم

فرمانده کل قوای کربلایم

دستم از تن جدا، شد براه خدا

انا فتحنا، فتحا مینا

در راه دین اگر تنم شد پاره پاره

گر حق دهد جان به جسمم دوباره

این شعار من است

افتخار من است

انا فتحنا، فتحا مبينا

ص: ١٢٣

رفتم که آبی آورم

بهر سکینه در حرم

دستم جدا شد

فرقم دو تا شد

رفتم که در راه هدف

کنم حمایت از شرف

دستم جدا شد

فرقم دو تا شد

پور علی زاده ام البنین

گفت به لشکر پی احیای دین

اگر دو دستم / فتد ز پیکر

جدا نگردم / من از برادر

شعار من مرگ براه خداست

مکتب من مظهر عشق و وفاست

اگر دو دستم / فتد ز پیکر

جدا نگردم / من از برادر

من افسر ارتش کربلایم

سر لشکر اردوی نینوایم

حسین باشد/ برادر من

نابود سازم/ بساط دشمن

فرمانده کل ساقی یتیمان

آب آور اطفال زار و عطشان

حسین باشد/ امام بر حق

بر پا نموده/ قیام بر حق

ص: ۱۲۴

فرمانده اردوی مردان خدایم

من یاری از قرآن کنم تا می توانم

میدهم جان، در راه قرآن

می دهم جان، با لب عطشان

دستم جدا شد از حسین جدا نگردم

به دشمنان من هرگز آشنا نگردم

می دهم جان، در راه قرآن

می دهم جان، با لب عطشان

من ابالفصلم و شیر حق را نور عینم

من علمدار و فرمانده هنگ حسینم

باشد سکینه در انتظارم

در راه قرآن جان می سپارم

دستم از تن جدا گر شود از تیغ دشمن

یا که فرق مرا بشکند عمود آهن

دست از برادر من بر ندارم

در راه قرآن جان می سپارم

عباسم و حماسه آفرینم

پورعلی امام متقینم

کنم تا پای جان

حمایت ز قرآن

اگر دو دست من ز پیکر

جدا شود به تیغ و خنجر

گر تشنه لب در خاک و خون بمیرم

هرگز امان نامه نمی پذیرم

از یزید لعین

خصم قرآن و دین

مدافع آل رسولم

غلام فرزند بتولم

من گل، گلزار، علی مرتضایم

حافظ، پرچم، خونین کربلایم

منم یا ایها الناس

باب الحوائج عباس

برادر، حسین جان بیا سوی علقمه

آمده، از جنان، مادرمان فاطمه

من عاشق تو هستم

جدا شده دو دستم

ص: ۱۲۶

آید ز نهر علقمه این ندا

دست علمدار شد از تن جدا

عباس شد در یاری دین فدا

یا اباالفضل (۲)

ماه بنی هاشم بخون نشسته

پشت حسین بن علی شکسته

رشته امید حسین گسسته

یا اباالفضل (۲)

تا نام دل آرای تو را زمزمه کردم

شش دانگ دلم را سند علقمه کردم

شد دارو ندارم به تو پا بست اباالفضل

عشق است اباالفضل

غیر از تو جهان ساقی لب تشنه ندیده

ای جان بفدای تو که در راه عقیده

بگذشته ایی از چشم و سر و دست اباالفضل

عشق است اباالفضل

ص: ۱۲۷

ای / سقای در خون گشته غلطان

خیز / آبی رسان بر تشنه کامان

ای کرده جان نثار / بردی ز من قرار

بهر تو مانده اند / طفلان در انتظار

آه ای برادرم (۳)

ای / ریزد ز داغت اشک گردون

شد / علقمه از خون تو گلگون

ای / یاس علقمه ، آمده فاطمه

باشد کنار تو / در حال زمزمه

آه ای برادرم (۳)

علقمه من دلی خسته دارم

غرقه خون، گریه آهسته دارم

با وضو می برم نام مولا

سیدی سیدی یابن زهرا

علقمه سرگذارم به پایش

می دهم جان که باشد رضایش

غربتش گریه آسمانها

سیدی سیدی یابن زهرا

ص: ۱۲۸

مولا امیرالمؤمنین حقت ادا شد

دست علمدار حسین از تن جدا شد

تشنگان یکصدا می دهند این ندا

ابوالفضل (۲)

یا رب همه هست مرا از من گرفتند

سردار بی دست مرا از من گرفتند

ای همه هست من ، یار بی دست من

ابوالفضل (۲)

سقای طفلان، از جور عدوان

لب تشنه جان داد، در راه جانان

یا ایها الناس / شد کشته عباس

میر علمدار، دستش جدا شد

مانند حیدر فرقیش دوتا شد

یا ایها الناس / شد کشته عباس

ص: ۱۲۹

هدیه شد بر خدا هست اباالفضل

چشم و پیشانی و دست اباالفضل

یا اباالفضل ، یا اباالفضل

ساقی دسته گل‌های مدینه

جام خالی بین دست سکینه

یا اباالفضل ، یا اباالفضل

مادرم ام البنین ای کاش بودی کربلا

تا ببینی کرده عباست به پیمانش وفا

در ره عشق خدا ، دستم از تن شد جدا

مادرم ام البنین در حق من کردی دعا

تا مبادا از حسین خود شوم یکدم جدا

میکنم جان را فدا ، دستم از تن شد جدا

بیائید بیائید محبان اباالفضل

همه عهد ببندید به پیمان اباالفضل

که گرید همه عالم / به سقای محرم

عزادار اباالفضل / بیا یار اباالفضل

سیه پوش در این دشت گل گریه بچینیم

بسوزیم ز داغش به ماتم بنشینیم

مه علقمه عباس / امید همه عباس

عزادار اباالفضل / بیا یار اباالفضل

ص: ۱۳۰

غیرت عباس را دیدند این لشکر همه

سر بر آرای علقمه

تا ابد آزادگی دارند آل فاطمه

سر بر آرای علقمه

دو دستت که گل و ریحان است

برایم ورق قرآن است

جسم تو دیدم یاقوت احمر

از دل کشیدم آه ای برادر

مظلوم ابوالفضل

کجا رفت آن علمداری ها

از من و عترتم یاری ها

امشب حرم را امن و امان نیست

بی تو ستاره در آسمان نیست

مظلوم ابوالفضل

امام من کنار من نشسته

بوسه زند پیشانی شکسته

می طپد، دل من برای او
علقمه، می شوم فدای او
یا حسین سید و مولای من

آه که دستی در بدن ندارم
تا به ادب به سینه ام گذارم
السلام، نازنین مولای من
ای مسیح، دست تو شفای من
یا حسین سید و مولای من

ص: ۱۳۱

عباس نام آور من ز شط نیامد

فرمانده لشکر من ز شط نیامد

مظلوم ابوالفضل / مظلوم ابوالفضل

سکینه چون پرسد زمن چه شد عمویم

در پاسخ آن تشنه لب به او چه گویم

مظلوم ابوالفضل / مظلوم ابوالفضل

عباس برادر رشیدم

رفتی و من از غمت خمیدم

تو یک کمر خمیده دیدی

من پیکر پاره پاره دیدم

مظلوم ابوالفضل

ای ماه دو دیده بسته من

خورشید بخون نشسته من

فرق تو شد از عمود آهن

مانند دل شکسته من

مظلوم ابوالفضل

آه پرچمدار من عباس من ای نازنین

ای گل ام البنین (۲)

ناله ام بر آسمان و پیکرت روی زمین

ای گل ام البنین (۲)

دست عباس من از پیکر افتاد

بر لب دجله سقا تشنه جان داد

وای ابالفصل (۲)

کشته شد از جفا ماه مدینه

کی دهد این خبر را بر سکینه

وای ابالفصل (۲)

ای ابالفصل رشید الحق سقاییت کرده ای

با دو دست و چشم خود از دین حمایت کرده ای

جانم ابالفصل جانم ابالفصل

تشنه لب رفتی به شط و تشنه لب باز آمدی

تشنه کاما در جوانمردی حکایت کرده ای

جانم اباالفضل ، جانم اباالفضل

ص: ۱۳۳

دو دمه

سلام ما به عزت و جلالت

سلام ما به گریه خجالت

سلام ما به پاره پاره پیکرت

سلام ما به گریه برادرت

سلام ما به آن مزار کوچکت

سلام ما به گریه دو کودکت

کنار علقمه محشر پیا شد

علمدار حسین دستش جدا شد

بابا چه شد عموی من

امید و آرزوی من

ای کودکان خون جگر

سقا نمی آید دگر

ناله زهرا رسد از علقمه

زائر عباس شده فاطمه

هستیم در پناه تو اباالفضل

محتاج یک نگاه تو اباالفضل

گر نظری به ما کنی اباالفضل

درد همه دوا کنی اباالفضل

ام الائمه حضرت فاطمه

زائر سقا شده در علقمه

بنویسید به روی در و دیوار حسین

اشهد ان اباالفضل علمدار حسین

عباس شد دستش جدا

در یاری دین خدا

ص: ۱۳۴

گفت آنکه دل تیر ندارد برود

یا طاقت شمشیر ندارد برود

فرداست که این بیشه شود لجه خون

هر کس جگر شیر ندارد برود

« خروش اصفهانی »

ص: ۱۳۵

امشب گرفته غم زمین و آسمان را

از هر طرف آید ندای واحسینا

مظلوم حسین جان مظلوم حسین جان

امشب حسین از بی وفائیه‌ها بگوید

با خواهر از داغ جدائیه‌ها بگوید

مظلوم حسین جان مظلوم حسین جان

کربلا امشب زیارتنامه دلها شده

شب عاشورا شده (۲)

جان هستی بیقرار ماتم فردا شده

شب عاشورا شده (۲)

شب جانبازی مبارزان امشب است

شب پایان عمر عاشقان امشب است

همگی در نماز گرم راز و نیاز

فغان و واویلا زین ماتم عظمی

دسته گل‌های باغ خاتم المرسلین

صبح فردا شوند پرپر بروی زمین

شود از خونشان لاله گون رویشان

فغان و واویلا زین ماتم عظمی

ص: ۱۳۶

امشب حسین بن علی حق را عبادت می کند

فردا سرش بر نیزه ها قرآن تلاوت می کند

واویلتا واویلتا

امشب به دور خیمه ها عباس دارد زمزمه

فردا تنش بی دست و سرافتد کنار علقمه

واویلتا واویلتا

ایها العالم شب عاشورا است

یا شب قتل، یوسف زهراست

محشر کبرا بود امشب و فردا

خون جگر زهرا شود امشب و فردا

واحسینا واحسینا

عاشقان بر لب ذکر حق دارند

محو دیدار روی دلدارند

شب عاشورا همه گرم عبادت

روز عاشورا پی فیض شهادت

واحسینا واحسینا

شب خدا پرستان، شب نماز و قرآن

شب دل شکسته، بهار چشم گریان

ای عشقت در دلها یا حسین

یا مولا یا مولا یا حسین

می ترسد از جدایی، دل صبور زینب

بدیدن حسینش بهانه دارد امشب

می گرید از غم ها یا حسین

یا مولا یا مولا حسین

ص: ۱۳۷

امشب شب قتل حسین است

گریان رسول عالمین است

فاطمه را خون در دو عین است

یا حجت بن العسکری سرت سلامت

امشب شب راز و نیاز است

حسین مشغول نماز است

قرآن ز خونش سرفراز است

یا حجت بن العسکری سرت سلامت

امشب شب آخر حسین است

فردا به سنان سر حسین است

یا بقیة الله (۲)

امشب حرم است و اشک دیده

فردا سر عاشقان بریده

یا بقیة الله (۲)

امشب شب راز و نیاز عاشقان است محشر عیان است

امشب عبادت فردا شهادت

فردا سر فرزند زهرا بر سنان است محشر عیان است

امشب عبادت فردا شهادت

گریه کن ای فاطمه بر امشب و فردای حسین

جلوه کند بر سرنی صورت زیبای حسین

وای حسین وای حسین (۲)

سینه پر از تاب و تب قتل حسین بن علی

اهل عزا گشته شب قتل حسین بن علی

وای حسین وای حسین (۲)

ص: ۱۳۸

امشبى را شه دين در حرمش مهمان است

مکن ای صبح طلوع

عصر فردا بدنش زیر سم اسبان است

مکن ای صبح طلوع

امشب عشاق به سيمای حسين مينگرند

مکن ای صبح طلوع

عصر فردا ز دم تيغ همه ميگذرند

مکن ای صبح طلوع

باز هر جا بنگري آهنگ دلها اين شده

مکن ای صبح طلوع

آسمان هم از غم داغ حسين خونين شده

مکن ای صبح طلوع

دو دمه

امشب شرر بر جان عالمين است

شب وداع زينب و حسين است

در كربلا امشب چه اضطراب است

شب وداع اصغر و رباب است

ص: ۱۳۹

یک یک همه را شمرد هنگام وداع

بر سینه خود فشرد هنگام وداع

ناگاه به یاد حرف مادر افتاد

پیراهن کهنه برد هنگام وداع

« خروش اصفهانی »

ص: ۱۴۰

چون عازم میدان عزیز مصطفی شد

بانک فغان یا ابا در کربلا شد

غوغای عظمی گردیده بر پا

گویا ز نو شد محشر هویدا

مظلوم حسین جان (۲)

زینب بگفتا یا ابا قدری تأمل

نبود مرا جانا دگر صبر و تحمل

با دوری تو بر گو چه سازم

جز اینکه باید با غم بسازم

مظلوم حسین جان (۲)

شمس آل مصطفی

خامس آل عبا

ای خسرو خوبان سید مظلومان ذبیح عاشورا تنها مرو میدان

حسین حسین جانم (۲)

جان زهرا مادرت

کن نظر بر خواهرت

آهسته رو بینم روی نکویت را بیا ببوسم من زیر گلویت را

حسين حسين جانم (٢)

ص: ١٤١

مرو بدون زینبت یا حسین

فدای خشکی لب‌ت یا حسین

دشت بلا پر شده از لاله‌ها

پس از تو من بمانم و ناله‌ها

جانان زینب می روی تنها

اتمام حجت کن به دشمن‌ها

آیات قرآنم مظلوم و عطشانم

حسین حسین جانم (۲)

بگو که من فرزند قرآنم

نییره ختم رسولانم

آیات قرآنم مظلوم و عطشانم

حسین حسین جانم (۲)

این وعده رب العالمین است

افتادن من ز صدر زمین است

دیگر به قیامت است دیدار

ای اهل حرم خدانگهدار

کشتند علی اصغرم را

عباس و علی اکبرم را

من مانده و این سپاه غدار

ای اهل حرم خدانگهدار

ص: ۱۴۲

ای خامس آل عبا مظلوم حسین جان

بگو چه سازم بعد تو با این یتیمان

مهلاً مهلاً یابن الزهرا (۲)

آهسته رو برادرم آیم به سویت

تا من بیوسم یا اخا زیر گلویت

مهلاً مهلاً یابن الزهرا (۲)

پسر فاطمه می رود به سوی میدان

خواهرش در حرم روی دست گرفته قرآن

حسین حسین جان / حسین حسین جان

ای حسین جان به قربان آن خُلق نکویت

مهلتی تا برادر بیوسم من گلویت

حسین حسین جان / حسین حسین جان

ص: ۱۴۳

ای گل زهرا با لب عطشان

مرو برادر تنها به میدان

صبری نما تا خواهرت ای حسین جانم

قرآن بگیرد بر سرت ای حسین جانم

مظلوم حسین جانم مظلوم حسین جانم

بعد تو ای سالار شهیدان

بگو چه سازم با این یتیمان

قسم به جان مادرت ای حسین جانم

رحمی نما بر خواهرت ای حسین جانم

مظلوم حسین جانم مظلوم حسین جانم

شمس آل مصطفی خامس آل عبا

ای یوسف زهرا سید مظلومان

ذبیح عاشورا تنها مرو میدان

حسین حسین جانم / حسین حسین جانم

جان زهرا مادرت

کن نظر بر خواهرت

آهسته رو بینم روی نکویت را

بیا ببوسم من زیر گلویت را

حسین حسین جانم / حسین حسین جانم

ص: ۱۴۴

می روی ای سرور من چه ناگهان از بر من
ناقه به گل نشسته است از اشک چشم تر من

این صبر زینب این غم دوری

ترسم بسوزد باغ صبوری

مهلاً حسین جان (۲)

بین نمانده نفسی حالم نمی پرسد کسی

دستم جدا از دامت چرا به دادم نرسی

امید زینب هستی خواهر

زیر گلویت بوسم برادر

مهلاً حسین جان (۲)

ای خواهر غمخوارم ای یار فداکارم

من عازم میدانم

جان تو و طفلانم

ای نور دل حیدر کن رخت عزا در بر

من عازم میدانم

جان تو و طفلانم

ز قرآن پرده حرمت دریدند

کنار قلتگه خنجر کشیدند

حسین بن علی را سر بریدند

از این غم شد قیامت

سر زهرا سلامت

به مقتل حق پیغمبر ادا شد

حسینش با لب عطشان فدا شد

سرش در دامن زهرا جدا شد

از این غم شد قیامت

سر زهرا سلامت

ای همدم و همرازم

خواهر سرافرازم

زینب به حرم برگرد

خواهر به حرم برگرد

صبر مجتبی داری

روح مرتضی داری

زینب به حرم برگرد

خواهر به حرم برگرد

ص: ۱۴۶

زینبا قلتگه است منزل آخر من

منم و شمر دغا خنجر و خنجر من

خواهرم باش صبور چون رسی بر سر من

چون که در لجه خون نگری پیکر من

می روی از کنارم ، ای همه مهربانی

دل شکسته مانده ، از تو مرا نشانی

دنبالت می آیم یا حسین

تنهایم تنهایم یا حسین

سفر مکن که اشکم ، راه گلو بیسته

بدرقه تو باشد ، آه دل شکسته

در شور و غوغایم یا حسین

تنهایم تنهایم یا حسین

عاقبت کوفیان خنجر کشیدند

سر فرزند زهرا را بریدند

شد روان مرکبش

به سوی زینبش

السلام على الحسين مظلوم

کودکان از حرم بیرون دویدند

نالہ اسب بی صاحب شنیدند

یال او غرقہ خون

زین او واژگون

السلام على الحسين مظلوم

ص: ۱۴۷

شیعیان امروز روز عاشورا است

سبط پیغمبر یکه و تنهاست

آه و واویلا زین غم عظمی

شاه مظلومان خسرو خوبان

از غم یاران دیده اش دریاست

آه و واویلا زین غم عظمی

این سر ریحانه زهراست بالای سنان

وامصیبت الامان (۲)

با لب عطشان جدا شد بر لب آب روان

وامصیبت الامان (۲)

روز فریاد و ناله و زاری است

خون ثارالله بر زمین جاری است

روز عاشورا است محشر کبراست

حق پیغمبر را ادا کردند

از حسین او سر جدا کردند

روز عاشورا است محشر کبراست

ص: ۱۴۸

ای یوسف زهرای من

ذبیح عاشورای من

قسم به جان مادرت فاطمه

بنما نظر بر من و طفلان همه

صبری نما تا خواهرت

قرآن بگیرد بر سرت

قسم به جان مادرت فاطمه

بنما نظر بر من و طفلان همه

عاقبت کوفیان خنجر کشیدند

سر فرزند زهرا را بردند

وا حسینا وا حسینا وا حسینا

مصحف روی سینه پیمبر

پاره پاره شد از نیزه و خنجر

وا حسینا وا حسینا وا حسینا

ص: ۱۴۹

دو دمه

امروز روز محشر است

حسین به خون شناور است

اینک من و این قتلگاه خواهر

برو به سوی خیمه گاه خواهر

من با خدا دارم قرار خواهر

قاتل بود در انتظار خواهر

روان شوم بهر دفاع خواهر

بهر همیشه الوداع خواهر

کرده وصیت مادرت حسین جان

بیا ببوسم حنجرت حسین جان

ای اسم اعظم خدا حسین جان

چراغ بزم اولیا حسین جان

تو جلوه هر محفلی حسین جان

عقده گشای هر دلی حسین جان

قبله دلها حرمت حسین جان

امید ما و کرمات حسین جان

سینه ما خانه آن سرور است

سینه زدن حلقه زدن بر در است

ص: ۱۵۰

دو دمه

قبله جان خستگان حسین است

امید دلشکستگان حسین است

پاینده نام نامی حسین است

آقایی از غلامی حسین است

دلها شکسته ز غمت حسین جان

در آرزوی حرمت حسین جان

ای یادگار مصطفی حسین جان

بده برات کربلا حسین جان

همیشه یار ما تویی حسین جان

دار و ندار ما تویی حسین جان

بر روی ما باب کرم سد مکن

گدای با سابقه را رد مکن

ص: ۱۵۱

شام غریبان

برویش امشب از خون بستری هست

اگر سر نیست اما پیکری هست

نشو مأیوس از دست کریمش

بگرد ای ساربان انگشتی هست

« خروش اصفهانی »

ص: ۱۵۲

خیمه ها می سوزد و شمع شب تار عزاست

کربلا ماتم سراست

مجمع پیغمبران در قلتگاه کربلاست

کربلا ماتم سراست

یا فاطمه شام غریبان حسین است

جسم شهیدان زیر شمشیر و سنین است

قرآن ورق ورق شده

پرپر گلان حق شده

ای وای از این غم

یا فاطمه شد خیمه ها چون شمع سوزان

آل عبا آواره گشته در بیابان

قرآن ورق ورق شده

پرپر گلان حق شده

ای وای از این غم

امشب به صحرا بیفکن جسم شهیدان است

شام غریبانست (۲)

بر غربت اجسادشان عالم پریشان است

شام غریبانست (۲)

ص: ۱۵۳

مادر بین در کربلا

پر پر شده گل‌های ما

آتش گرفته خیمه‌ها

ما در بیا مادر بیا

جانم از غم بین رسیده بر لب

برس ای مادرم به داد زینب

خونین بدن‌ها را بین

افتاده بر روی زمین

سرها شده از تن جدا

مادر بیا مادر بیا

جانم از غم بین رسیده بر لب

برس ای مادرم به داد زینب

شام غریبان گل‌های عاشوراست

خونین جگر زینب صاحب عزا زهراست

هر دیده گریبان است هر سینه سوزانست شام غریبان است (۲)

امشب خدا داند حال دل زینب

بنشسته می خواند دیگر نماز شب

هم در غم سجاد هم داغ طفلان است شام غریبان است (۲)

شام غریبان حسین امشب است امشب است

بر سرو بر سینه زنان زینب است زینب است

فاطمه در باغ جنان خونجگر نوحه گر

گرم عزا شیر خدا امشب است امشب است

امشب به خاک نینوا جسم شهیدانست

شام غریبان است

امشب خیام مصطفی در نار سوزانست

شام غریبان است

ص: ۱۵۴

شیعه امشب شب غم هاست بیا گریه کنیم

ماتم عترت طاهاست بیا گریه کنیم

گشت غارت حرم سید خونین کفنار

وا مصیبت که چه غوغاست بیا گریه کنیم

صحرای خشک کربلا از خون گلستان آمده

سرت سلامت فاطمه شام غریبان آمده

مظلوم حسین ، غریب حسین (۲)

یا فاطمه یا فاطمه ای دخت ختم الانبیا

امشب به دیدار حسین در مطبخ خولی بیا

مظلوم حسین ، غریب حسین (۲)

بیابان گرم و سوزان است

زمین از خون گلستان است

بسوز ای دل بسوز ای دل

شب شام غریبان است

حسینم وای حسینم وای

شهیدم وای غریبم وای

سکینه گریه کن امشب

برای عمه ات زینب

دویده بسکه در صحرا

رسیده جان او بر لب

حسینم وای حسینم وای

شهیدم وای غریبم وای

ص: ۱۵۵

دو دمه

سالار دشت کربلا سرت کو؟

آن جامه یادگار مادرت کو؟

جسمت بخاک کربلا حسین جان

سرت به روی نیزه ها حسین جان

برخیز ای باب نجات حسین جان

آزاد شدن آب فرات حسین جان

عشق منی روح منی برادر

در همه جا نوح منی برادر

بسته شده محمل من حسین جان

چه شد ابوفاضل من حسین جان

امشب شب زیارت حسین است

زهرا کنار تربت حسین است

کعبه دلها حائر حسین است

امشب علی هم زائر حسین است

ص: ۱۵۶

به جای آه ، آمد از دلش دود

به جای اشک خون آمد از این رود

نگاهی پشت سر می کرد و می گفت

برادر می روم بدرود بدرود

« خروش اصفهانی »

ص: ۱۵۷

ای زیارتگاه من، گشته زخم پیکرت

بوسه گاه فاطمه، پاره پاره حنجرت

واحسین و احسین (۲)

زیر سنگ و نیزه ها لاله زارم گم شده

هم گلم پرپر شده هم بهارم گم شده

واحسین و احسین (۲)

اهل عالم سوم قتل حسین است

اشک پیغمبر روان از هر دو عین است

وا شهیدا یا حسین

وا غربیا یا حسین

خاک و سنگ کربلا خون گریه کرده

من ندانم فاطمه چون گریه کرده

وا شهیدا یا حسین

وا غربیا یا حسین

یا ابا (۲) ای نوگل پیغمبر

ای سر جدا ز پیکر جان برادر

ماندی تو (۲) تنها در این بیابان

با کشته جوانان جان برادر

آل الله (۲) بر ناقه های عریان

روان به شام ویران بقیت الله بقیت الله

در راه کوفه و شام امیر کاروان

عصمت کبرای حق زینب قهرمان

ثارالله (۲) بر لبهایش حلاوت

قرآن کند تلاوت

تفسیر قرآن کند بر علیه عدوان

عصمت کبرای حق زینب قهرمان

ص: ۱۵۸

زینبم دختر شاه ولایت منم

آنکه از دین حق کند حمایت منم

کشته شد حسینم نور هر دو عینم وا اماما واحسینا

می کشم حسین جان بار اسارت به دوش

می کنم چراغ دشمنت آخر خموش

رفتم از کربلا سوی شام بلا واحسینا وا اماما

گودی قتلگاه دارالزیاره

منم و این گلوی پاره پاره

ای شده خواهرت اولین زائرت

یا ثار الله و بن ثاره

آفتابم به موج خون نشسته

سایه بانس بود نیزه شکسته

سنگ ها یک طرف نیزه ها یک طرف

یا ثارالله و بن ثاره

ص: ۱۵۹

یابن الحسن این کوفیان کردند چراغان

صف بسته از بهر تماشای اسیران

عمه ات را بین گشته محمل نشین

گل‌های باغ فاطمه با قلب سوزان

منزل به منزل می روند تا شام ویران

عمه ات را بین گشته محمل نشین

فرزند زهرا حسین بی یار و یاور

افتاده در کربلا صد پیکر

مظلوم حسین جانم مظلوم حسین جان

کوفه پر از شور و شین شد واحسینا

بر نیزه رأس حسین شد واحسینا

مظلوم حسین جانم مظلوم حسین جان

عمه جان این تن بابای من است

پس چرا بی کفن است

این همان یوسف گل پیرهن است

پس چرا بی کفن است

پسر فاطمه صد پاره تن است

پس چرا بی کفن است

با من سوخته دل همسخن است

پس چرا بی کفن است

ص: ۱۶۰

مه محفل زینب، بین مشکل زینب

محیط غم و اندوه، شده منزل زینب

حسین جان کفنت کو لباس بدنت کو

ز هجر تو بجز غم، نشد حاصل زینب

کنار بدنت شد، زبان دل زینب

حسین جان کفنت کو لباس بدنت کو

آب شده وجودم، شمع غم تو بودم

داغ تو تازه کردم، مرثیه ها سرودم

پناهم امیدم یا حسین

غریبم شهیدم یا حسین

با چه دلی بینم، به روی نی سر تو

عالم همه سیاه است، در چشم خواهر تو

دل از جان بریدم یا حسین

غریبم شهیدم یا حسین

حسین جان این من و خیل اسیران تو

حسین جان خدانگهدار تو

حسین جان این تو و نعش جوانان تو

حسین جان خدانگهدار تو

آمدم کربلا با تو من دلغمین

میروم این زمان بی تو از این سرزمین

می سپارم تو را

به خدا یا اخوا

وای حسینم (۲)

کربلا جان تو جان عزیزان من

خاصه این خسرو غریب دور از وطن

این حسین من است

نور عین من است

وای حسینم (۲)

ص: ۱۶۱

بازار کوفه

تمام گوش ها آماده بودند

عجب نطقی به زینب داده بودند

به پاس خطبه اش حتی نوشتند

جرس ها از نفس افتاده بودند

« خروش اصفهانی »

ص: ۱۶۲

از سر نیزه ها سر زد ستاره

یا شده ماه من پیدا دوباره

یابن الزهرا یابن الزهرا یابن الزهرا

صورت من شسته از خون جبین است

پای قرآن تو تفسیرم این است

یابن الزهرا یابن الزهرا یابن الزهرا

ای هلال فاطمه ای ماه زینب

بر سر منی همدم و همراه زینب

ای حسین جان ای حسین جان ای حسین جان

لحظه ای در پای قرآنت نشستم

تو نگاهم کردی و من سر شکستم

ای حسین جان ای حسین جان ای حسین جان

قرآن نوک نیزه قرآن بخوان برایم

قرآن بخوان برایم تا همراهت بیابم

ای نازنین برادر

حسین غریب مادر

قرآن بخوان که صوتت در گوش جان بماند

قرآن بخوان که ما را کس خارجی نخواند

ای نازنین برادر

حسین غریب مادر

بنی اسد ناله ز دل برآرید

جای کفن یک بوریای بیارید

این بی کفن حسین است

عریان بدن حسین است

بنی اسد حسین سر ندارد

پیراهن خونین به بر ندارد

این بی کفن حسین است

عریان بدن حسین است

ص: ۱۶۳

آئینه ذوالجلال زینب

بر نیزه شدی هلال زینب

مظلوم حسینم (۲)

با من بگو ای بخون نشسته

پیشانی تو چرا شکسته

مظلوم حسینم (۲)

عمه بابا نوک نی قرآن تلاوت می کند

این سر بریده از ما رفع تهمت می کند

ای امیر کاروان یا حسین قرآن بخوان (۲)

حق قرآن را به نوک نی ادا کردی حسین

بر فراز نیزه ها یاد خدا کردی حسین

ای امیر کاروان یا حسین قرآن بخوان (۲)

ما آل رسولیم ، فرزند بتولیم

ای مردم کوفه صدقه به ما حرام است

ما گرچه اسیریم ، بر خلق امیریم

از ماست که دین را شرف و قدرو مقام است

ص: ۱۶۴

هفتم امام حسین علیه السلام

اگر دنیا ، اگر عقبی حسین است

که کار هر دو عالم با حسین است

چه تفسیر شگفتی هر که گفته است

که این یاسین بی سر یا حسین است

« خروش اصفهانی »

ص: ۱۶۵

هفتم عزا بهر شهیدان گشته امروز
روز عزای جان نثاران گشته امروز
زینب از این غم در شور و شین است
در آه و افغان بهر حسین است

رأست به روی نی تنت بر خاک سوزان
در کربلا ماندی تو با جمع عزیزان
زینب از این غم در شور و شین است
در آه و افغان بهر حسین است

زندان کوفه دارد آئینه غم امشب
عالم عزا گرفته همراه اشک زینب
شد هفتم عزایت

حسین جانم فدایت

امشب ستاره ای نیست در آسمان سجاد
چراغ کاروان است اشک روان سجاد
شد هفتم عزایت

حسین جانم فدایت

در هفتم عزای ، آل پیمبر

به بزم غم نشسته، عترت کوثر

زندان کوفه کن مباحات

فاطمه آمده ملاقات

آه و واویلتا آه و واویلا

هر گوشه ناله ای از دل شکسته

به کنج زندان غم، زینب نشسته

گوید حسین من کجائی

جان بر لب آمد از جدائی

آه و واویلتا آه و واویلا

امشب شب هفت شاه کربلاست

پنهان به موج خون ماه کربلاست

واویلا واویلا وامحمدا

پر آبله از خار پای زینب است

حبس عبیدالله جای زینب است

واویلا واویلا وامحمدا

دو دمه

شیعیان و لوله در ارض و سماست

هفته تشنه لب کربلاست

ص: ۱۶۷

حضرت رقيه سلام الله عليها

بگذار که آسمانم آبی باشد

این شام سیاه ماهتابی باشد

ای سر تو بمان کنارم امشب تا صبح

بگذار خرابه آفتابی باشد

« خروش اصفهانی »

ص: ۱۶۸

آمدی بابا کنج ویرانه

با صفا کردی این عزاخانه

ای پدر جانم ای پدر جانم (۲)

رفته ای بابا خوش به مهمانی

گه تنورو گه دیر نصرانی

ای پدر جانم ای پدر جانم (۲)

ای سپرده در خرابه جان

طفل زار غم نصیب من

بیفکن ز جور شامیان

همنوای من غریب من

در کنار این طبق می میردامشب دخترت

من به قربان سرت / خون چکد از حنجرت

بس که سیلی خورده ام هستم شبیه مادرت

من به قربان سرت / خون چکد از حنجرت

برای دیدن تو، گرفته ام بهانه

خوش آمدی مسافر، به بزم عاشقانه

رقیه فدایت ای پدر

می میرم برایت ای پدر

تو روی نیزه بودی، من آه می کشیدم

بروی خار صحرا پیاده می دویدم

می زدم صدایت ای پدر

می میرم برایت ای پدر

چشم انتظاری ها به سر آمد

امشب پدر آمد

ویرانه شد گلشن

چشم همه روشن

تنها امیدم از سفر آمد

امشب پدر آمد

ویرانه شد گلشن

چشم همه روشن

خرا به گشته بیت الحزان من

ناله شده نغمه قرآن من

خون جگرم عمه جان

کو پدرم عمه جان

قسمت من سیلی اعدا شده

صورت من شبیه زهرا شده

خون جگرم عمه جان

کو پدرم عمه جان

ص: ۱۷۰

شب است و خورشید و خرابه و من

سر پدر گرفته ام به دامن

من و دو چشم پر ستاره

تو و گلوی پاره پاره

یا ابنا آجرک الله

ماه به خاکستر نشسته بابا

پیشانیست چرا شکسته بابا

سر تو را به بر بگیرم

دعا کن ای پدر بمیرم

یا ابنا آجرک الله

ز اشک من و طفلان

چراغان شده ویران

بیا عمه تاشا ز ره آمده مهمان

شبم را سحر آمد

پدر از سفر آمد

به لب زمزمه آمد

امید همه آمد

مرادید و بیادش رخ فاطمه آمد

شبم را سحر آمد

پدر از سفر آمد

ص: ۱۷۱

یار سفر کرده من از سفر آمده

خرابه را زینت کنم که پدر آمده

خوش آمدی ای پدر

مرا به همراه ببر

قدم قدم به زخم دل نمکم می زدند

پدر پدر می گفتم و کتکم می زدند

خوش آمدی ای پدر

مرا به همراه ببر

عمه بین تاج سرم آمده

چشم تو روشن پدرم آمده

مسافر شهر شام

پدر علیک السلام

بیا که تا شانه به مویت زخم

بوسه بر گهای گلویت زخم

مسافر شهر شام

پدر علیک السلام

به به چه مهمانی در خانه دارم

امشب گل و شمع و پروانه دارم

بابا حسین جانم

بابا حسین جان

بابا چرا با تو اکبر نیامد

مردم ز تنهایی عمرم سر آمد

بابا حسین جانم

بابا حسین جان

ص: ۱۷۲

زخم جداییها شفا گرفته

ویرانه ام امشب صفا گرفته

دسته گل محمدی

یا ابتا خوش آمدی

خرابه شام شده مدینه

سر تو را گرفته ام به سینه

دسته گل محمدی

یا ابتا خوش آمدی

از سفر آمده شمع خاموش من

یوسف فاطمه شد هم آغوش من

وا غریبا حسین

وا شهیدا حسین

من فدای تو و سر نورانیت

بوسه می گیرم از زخم پیشانیت

وا غریبا حسین

وا شهیدا حسین

از خم گیسو گل بر افشانم

بر قدمهای تازه مهمانم

یا ابا المظلوم

ای حسین جانم

زائرم بر این روی نورانی

بوسه گاهم شد زخم پیشانی

یا ابا المظلوم

ای حسین جانم

ص: ۱۷۳

دودمه

بابا به قربان سرت

می میرد امشب دخترت

امشب رقیه تا سحر نخوابد

آن بلبل شکسته پر نخوابد

تویی فروغ ازلی رقیه

زهرای کوچک علی رقیه

ما نوکران هم ناله حسینیم

سینه زن سه ساله حسینیم

زهرای مدینه و رقیه شام است

از ما به قبر کوچکش سلام است

ای عمه جان روح تنم آمده

پدر برای دیدنم آمده

خوش آمدی به دیدنم پدر جان

بین کبودی تنم پدر جان

امشب تویی پناه ما رقیه

کن نظری به سوی ما رقیه

ای چلچراغ دامن رقیه

خوش آمدی به دیدن رقیه

ص: ۱۷۴

عزای آفتاب عالمینه

زمین و آسمون بی نور عینه

سیاهه پرده های کعبه، یعنی

خدام امشب عزادارِ حسین

« خروش اصفهانی »

ص: ۱۷۵

جا برم من، زائر من

کن جوابم عطا یا حییی

گرچه کورم ، غرق نورم

از ولای شما یا حییی

همسفر زینب، برادر زینب

خیز و تماشا کن، چشم تر زینب

اشکم زیارتنامه تو

در سینه ام هنگامه تو

حسین حسین حسین جان

یک اربعین هجران هرگز نبود آسان

ناگفته می ماند این شرح بی پایان

این نیمه جان هر جا کشاندم

پیغام عشقت را رساندم

حسین حسین حسین جان

ای پسر فاطمه من جا برم

در حرم تو اولین زائر من

یا حبیبی یا حسین (۲)

نظاره کن قلب کباب مرا

چرا نمی دهی جواب مرا

یا حبیبی یا حسین (۲)

اربعین لاله ها شد

حاجت زینب روا شد

قسمتش بعد اسیری

بار دیگر کربلا شد

زائر خون خدا شد (۲)

کاروان غم رسیده

داغ روی داغ دیده

از سفر برگشته زینب

مو سپید و قد خمیده

روضه خوان صاحب عزا شد (۲)

ص: ۱۷۶

جا برم جا برم ز راه دور آمدم

زائر تربت عزیز زهرا شدم

یا حبیبی و علیک السلام

کشته بی کفن تشنه کام

سیدی حسین جان (۲)

یا حبیبی حسین پیر غلامت منم

آن که جان داده از شوق سلامت منم

من به قربان تن اطهرت

در کجا خفته بخون پیکرت

سیدی حسین جان (۲)

ای کوی تو قبله مرادم

سوزد به عزای تو نهادم

ای نور دو عینم

سر جدا حسینم

سر در خط سرخ تو نهادم

من راه ترا ادامه دادم

ای نور دو عینم

سر جدا حسينم

ص: ١٧٧

شیعیان اشک بریزید که هنگام عزاست

اربعین شه دین تشنه لب کربلاست

اربعین آمد و شد فصل غم و شیون و شین

جا برآمد به صد افغان به سر قبر حسین

اربعین آمد و شد وقت عزرا

شد جهان نوحه سرا

آل طاها شود از شام بلا

وارد کربلا

زینب خونین جگر می رسد از راه شام

شمیم خاک حسین میرسدش بر شام

وای غریب حسین وای شهیدم حسین

یک اربعین بود دور ز تربت آن امام

کنون به افغان و آه می دهد او را سلام

وای غریب حسین وای شهیدم حسین

اهل بیت عصمت، با سینه های سوزان

آمدند کربلا، بر تربت شهیدان

عالم به شور و شین است

اربعین حسین است

عصمت کبریا، ریحانه مرتضی

می دهد یک به یک، شرح حال سفر را

عالم به شور و شین است

اربعین حسین است

برگشته زینب از شام ویران

کنار قبر پاک شهیدان

دارد به لب این زمزمه

ای حسین جانم

گوید عزیز فاطمه

ای حسین جانم

آمده زینب از اسارت

با اهل بیت بهر زیارت

دیدم علمداریت را برادر

در علقمه شد به خون شناور

دیدم شده نقش زمین

ای حسین جانم

زیبا گل ام البنین

ای حسین جانم

دیدم زنان داغدیده

همراه سرهای بریده

ص: ۱۷۹

دمشق و کربلا، سالار زینب

غریب و بی کس و بی یار زینب

بغل واکن برادر جان که آمد

برای آخرین دیدار زینب

« خروش اصفهانی »

ص: ۱۸۰

خیز و بنما نظر ای عزیز دل زهرا

از سفر آمده خواهرت زینب کبری

کودکانت به تن دارند نشانه

بس که خوردند حسین جان تازیانه

ای حسین جان / حسین جانم / حسین جان

عشق تو ای حسین جان به دل کاشانه کرده

دختر تو مکان گوشه ویرانه کرده

کودکانت به تن دارند نشانه

بس که خوردند حسین جان تازیانه

ای حسین جان / حسین جانم / حسین جان

کاروان / کاروان / آمد ز شام ویران

بر تربت شهیدان

بقیت الله، آجرک الله

ریحانه فاطمه ناموس کبریا

با پرچم پیروزی آمده کربلا

آمده / آمده / موکب سلطان دین

با سید الساجدین

بقیت الله، آجرک الله

ریحانه فاطمه ناموس کبریا

با پرچم پیروزی آمده کربلا

ص: ۱۸۱

ای ذبیح کربلا، خامس آل عبا

خواهرت آمده از کوفه و شام بلا

یا حبیبی یا حسین نور عینی یا حسین

دیده ام در این سفر من بروی نیزه ها

ای عزیز فاطمه سر خونین تو را

یا حبیبی یا حسین نور عینی یا حسین

صدای زنگ قافله می رسد بر گوش

بنگر که محمل ها همه گشته سیه پوش

ریحانه فاطمه با سوز و آه

دوباره آمد به سوی قتلگاه

مظلوم حسین، مظلوم حسین جان (۲)

برخیز و استقبال کن از عزیزانت

بنما پذیرایی تو از این یتیمان

ریحانه فاطمه با سوز و آه

دوباره آمد به سوی قتلگاه

مظلوم حسین، مظلوم حسین جان (۲)

عصمت کبریا ، زینب فاطمه
سر قبر حسین دارد این زمزمه
وا غریبا حسین / وا شهیدا حسین

آمدم یا حسین بر سر کوی تو
جان به لب آمد از دوری روی تو
وا غریبا حسین / وا شهیدا حسین

در این سفر برادر، جانم به لب رسیده
دیدم بروی نیزه ، هجده سر بریده
مانده به شام ویران
سه ساله ات حسین جان

حسین حسین حسین جان (۲)

این کودکان معصوم، دارند به تن نشانه
از بس که در این سفر، خوردند تازیانه
مانده به شام ویران

سه ساله ات حسین جان

حسین حسین حسین جان (۲)

اربعین است ، دل غمین است

در عزا سید الساجدین است

شد سکینه / دل حزینه / ناله هایش بسی آتشین است

من ز شام آمده ام خواهر غمخوار توام

من عزادار توام (۲)

دل پر از خون ز غم دوری دیدار توام

من عزادار توام (۲)

آمده زینب خواهرت بر سر کوی تو

جانم به لب رسیده از دوری روی تو

خیز و بنما نظر آمده از سفر

زینب خونجگر

ای گل فاطمه / ای گل فاطمه / ای گل فاطمه

خواهر مظلومه تو بین که با سوز و آه

دوباره وارد شده در گودی قتلگاه

خیز و بنما نظر آمده از سفر

زینب خونجگر

ای گل فاطمه / ای گل فاطمه / ای گل فاطمه

ص: ۱۸۴

قهرمان زنان، عصمت پروردگار

آمد از شام غم به حالت سوگوار

می دهد این ندا برشه کربلا

قُم يَا ذَبِيحَ اللَّهِ

أُنظِرْ بِأَلِ اللَّهِ

خیزو بنما نظر که عابد خونجگر

آمده تا که بیند گل روی پدر

می دهد این ندا برشه کربلا

قُم يَا ذَبِيحَ اللَّهِ

أُنظِرْ بِأَلِ اللَّهِ

برادرم بنما نظر

آمده زینب از سفر

ای یوسف زهرای من

حسین من، حسین من

خواهرت آمده از شام ویران

کنار تربت پاکت حسین جان

حسین جان، حسین جان، جانم حسین جان

زینب قد خمیده ات

دید آن سر بریده ات

ذبیح عاشورای من

حسین من حسین من

خواهرت آمده از شام ویران

کنار تربت پاکت حسین جان

حسین جان، حسین جان، جانم حسین جان

ص: ۱۸۵

حضرت امام سجاد علیه السلام

همیشه از غم ایام گفתי

زمانی از سر و از جام گفתי

چه آمد بر سرت آنجا که اینقدر

امان از شام ، امان از شام گفתי

« خروش اصفهانی »

ص: ۱۸۶

ماتم جانسوز / سید الساجدین است

گریان در عزایش / چشم اهل یقین است

می سوزد دل ز داغش

بر قبر بی چراغش

مدینه گردیده / از داغ او سیه پوش

خون پاک مظلوم / هرگز نیفتد از جوش

می سوزد دل ز داغش

بر قبر بی چراغش

چارمین حجت حق نبی را جانشینم

میوه قلب مظلوم کربلا حسینم

از بس که دیدم داغ عزیزان

شد با غم و درد عمرم به پایان

ای وامصیبت (۲)

من پاره جگر می روم با قلب خسته

نزد آن فاطمه مادر پهلو شکسته

از بس که دیدم داغ عزیزان

شد با غم و درد عمرم به پایان

ای وامصیبت (۲)

سید الساجدین شمس آل مصطفایم

من عزیز دل خامس آل عبایم

مانده بر پیکرم بابا نشانه

جای زنجیر و نقش تازیانه

ای حسین جان حسین / جانم حسین جان

با غل جامعه دست و پای من ببستند

درجان قلب زهرای اطهر را شکستند

مانده بر پیکرم بابا نشانه

جای زنجیر و نقش تازیانه

ای حسین جان حسین / جانم حسین جان

ماتم / ماتم نور دل یاسین است سید الساجدین

بقیت الله / آجرک الله

قتل گل پرپر خاتم الانبیاست

نور دل و چشم مظلوم کربلاست

مدینه / مدینه شد از غمش سیه پوش زهرا در آه و خروش

بقیت الله / آجرک الله

قتل گل پرپر خاتم الانبیاست

نور دل و چشم مظلوم کربلاست

ص: ۱۸۸

ز شهر یثرب رسد ناله و فریاد

مسموم زهر جفا حضرت سجاد

شد فدا بهر دین سید الساجدین

ای وای از این غم

اسیر ظلم و جفا بی جرم و تقصیر

کاهیده شد گردنش در زیر زنجیر

شد فدا بهر دین سید الساجدین

ای وای از این غم

روح دعا مجموعه عشق و نیایش

پرورده دامان محراب ستایش

به پا نشان آبله به لب ز شامیان گله

امام سجاد

هرگز ندیده کس اسیر و سوگواری

بسته به زنجیر و کند اشتر سواری

شمر و سنان همسفرش به نیزه رأس پدرش

امام سجاد

ص: ۱۸۹

چارمین رهبر اهل ولایم

یادگار شهید کربلایم

واویلا واویلا

پدرم تشنه لب در زیر شمشیر

من تنم بسته در حلقه زنجیر

واویلا واویلا

چشمه خون دل بود، اشک روانت

داغ چهل ساله غم همدم جانت

دسته گل عالم ایجاد مظلومی ات کی رود از یاد

یا سیدی امام سجاد (۲)

شهید گریه هایی، شاهد غم ها

بنی امیه کردند با تو ستم ها

عالم فدای ناله هایت آن روضه ها و گریه هایت

یا سیدی امام سجاد (۲)

ص: ۱۹۰

من شمع و غم فانوسم

با اشک خود مأنوسم

شرح حدیث کربلا نمی رود از یادم

من سید سجادم (۲)

نوح طوفان آهم

وارث ثاراللهم

آه دل شکسته شد زمزمه و فریادم

من سید سجادم (۲)

پسر فاطمه و شام کجا

خنده و شادی و دشنام کجا

وای از زخم زبان (۲)

اهل بیت و ملأ عام کجا

ما کجا سنگ لب بام کجا

وای از زخم زبان (۲)

روز عزای زین العابدین است

شهادت سید ساجدین است

امام العالمین نور چشم حسین

امام سجاد (۲)

بگذاشته بر پیکرش نشانه

کعب نی و زنجیر و تازیانه

به پایش آبله بر تنش سلسله

امام سجاد (۲)

ص: ۱۹۱

شهر مدینه کربلای زین العابدین است

ای شیعیان شهادت سید ساجدین است

تازه گردید / داغ عترت

وامصیبت وامصیبت

پیکر جان عالم و سلسله کس ندیده

از ساق پای پسر فاطمه خون چکیده

داده شد / اجر رسالت

وامصیبت وامصیبت

ما تم فخر الساجدین، نور یزدان است

عزای زین العابدین ، روح قرآن است

ای وارث نبوت و امامت

مهدی فاطمه سرت سلامت

دیده به چشمش بر روی نیزه اعدا

هجده سر نورانی از آل طاها را

ای وارث نبوت و امامت

مهدی فاطمه سرت سلامت

جارمین حجت کبریا کشته شد

حافظ پرچم کربلا کشته شد

آه و واویلتا (۲)

قدسیان در سما همه در زمزمه

بهر زیبا گل پرپر فاطمه

آه و واویلتا (۲)

ص: ۱۹۲

مخصوص خطبه امام زين العابدين عليه السلام

ای شامیان من جانشین مصطفایم

من یادگار خامس ال عبايم

منم علی بن الحسين صديقه را نور دو عين

جان حسينم (۲)

من عابدينم پور مکه و منايم

سجادم و فرزند زمزم و صفایم

منم علی بن الحسين صديقه را نور دو عين

جان حسينم (۲)

ای شامیان من زين العابدينم

فرزند طاوها و يوسينم

انابن فاطمه الزهرا انابن خديجه الكبرى

من پسر شهيد كربلايم

من پسر حسين سر جدايم

انابن فاطمه الزهرا انابن خديجه الكبرى

ص: ۱۹۳

ماتم فخر الساجدين است

عزای زين العابدين است

چراغ مدينه گردیده خاموش

در جنان فاطمه گشته سیه پوش

واويلا واويلا آه و واويلا

کشتند وصی مصطفی را

يعقوب دشت کربلا را

حجت الحسن رود سراغش

کنار قبر بی شمع و چراغش

واويلا واويلا آه و واويلا

زهرا حزين از قتل زين العابدين است

شال عزرا بر گردن روح الامين است

سرت سلامت يا حجت الله

در اين مصيبت آجرک الله

تنها نباشد حضرت باقر عزادار

عالم عزادار امام چارمين است

سرت سلامت يا حجت الله

در این مصیبت آجرک الله

ص: ۱۹۴

دو دمه

سلام ما به اشک بی شمار تو

سلام ما به قلب داغدار تو

سلام ما به گریه دمادمت

سلام ما به سینه پر از غمت

سلام ما به سوز و آه هر شب

سلام ما به درد جسم پر تبت

سلام ما به خون پاک جای غل

به آن شکفته زخم های همچو گل

سلام ما به باب بی قرین تو

سلام ما به عمه حزین تو

امام سجاد خطیب عشق است

یوسف شهر کوفه و دمشق است

خون می چکد از دست و پای سجاد

آتش کجا و زخم های سجّاد

محکمترین زنجیر را ببندید

اما به اشک عمه ام نخندید

من چارمین امام شیعیانم

از درد و غم به لب رسیده جانم

داغ عزیزان همه قاتلش شد

زهر جفا تسلی دلش شد

ص: ۱۹۵

حضرت امام باقر علیه السلام

گفتند که صحرای بلا را دیده است

بر نی سراز بدن جدا را دیده است

پیران قبیله یادشان هست هنوز

این پیر ، سه ساله کربلا را دیده است

« خروش اصفهانی »

ص: ۱۹۶

کشته شد آن گل پر پر باغ رسول

وارث مرتضی روح و روان بتول

پنجمین رهبر است

جان پیغمبر است

فغان و واویلا

زین ماتم عظما

ای شکافنده مکتب فقه و اصول

وارث انبیا مخزن علم رسول

تو گل حیدری

شافع محشری

فغان و واویلا

زین ماتم عظما

باقر علم رسولم

نجل زهرای بتولم

پاره شد قلبم از زهر کینه

جان سپردم به شهر مدینه

من غریبم غریبم غریبم

من شهیدم شهیدم شهیدم

شد گواه درد و داغم

قبر بی شمع و چرا غم

گرچه خاک وطن تربتم شد

تربتم شاهد غربتم شد

من غریبم غریبم غریبم

من شهیدم شهیدم شهیدم

ص: ۱۹۷

پنجمین شمس ولا/ کشته راه خدا

زهر کین بر دل تو / زده آتش ز جفا

خاطراتی که بیاد تو ز عاشورا بود

آتش افروز دلت ای پسر زهرا بود

باقر علم خدا

شاهد کربلا

دل ما پر خون است/ از غمت محزون است بر غریبی شما / اشک ما گلگون است

زائری نیست در ایام عزایت به بقیع

تا کند گریه شود نوحه سرایت به بقیع

باقر علم خدا

شاهد کربلا

پنجم ولی کبریا شد شهید

آن یادگار کربلا شد شهید

دلش ز غصه خون بود

داغ دلش فزون بود

نور دل فاطمه بیتاب شد

پیکرش از زهر جفا آب شد

آتش گرفته جاناش

از ظلم دشمناش

ص: ۱۹۸

چشم شیعه گریان از بهر دو قتل است

امام باقر و مسلم بن عقیل است

زهر را زند به سینه

در کوفه و مدینه

حضرت باقر در راه خدا فدا شد

مسلم بن عقیل سر از تنش جدا شد

زهر را زند به سینه

در کوفه و مدینه

ای سرشک ملک اشک عزا خانه ات

داغ ما غربت بقیع ویرانه ات

باقر علم نبیین تویی

وارث کوثر یاسین تویی

جان ما فدایت (۲)

چون پدر مظهر علم و هدایت تویی

شاهد عرصه عشق و شهادت تویی

داغ مظلومی آل رسول

لاله سان کرده دلت را ملول

جان ما فدايت (۲)

ص: ۱۹۹

یاد بقیع دلها نمی رود ز خاطر

به سینه ها نشسته غم امام باقر

ای مدینه آه، کشته شد امام ما

ای مدینه آه، گریه ها سلام

ای مدینه آه، غم شکسته جام ما

وامصیبتا

کرده چنین وصیت تا که پس از شهادت

ماتم او بگیرند موسم حج به غربت

در عزای او، اهل بیت اطهرش

در عزای او، دل شکسته جعفرش

در عزای او ، شیعه مکدرش

وامصیبتا

دودمه

سلام ما به درد تو به داغ تو

سلام ما به قبر بی چراغ تو

ای قبر تو در آفتاب مولا

سلام ما را ده جواب مولا

خورشید چرخ دین افول کرده

قلب پیمبر را ملول کرده

داغ مدینه در دل است ما را

سفر به آن جا مشکل است ما را

ص: ۲۰۰

حضرت امام صادق علیه السلام

بدون نور شما در میان ظلمت ها

برای هیچ کسی معرفت میسر نیست

مفضل از توحید مفضل خواندم

خدا شناسی از این خوب تر مصور نیست

« خروش اصفهانی »

ص: ۲۰۱

شد ماتم جان سوز ناشر الحقایق

مظهر نور کبریا امام صادق

ای حجت ثانی عشر

مهدی امام منتظر

سرت سلامت (۲)

میسوزد از زهر جفا پا تا سر من

شکسته منصور لعین بال و پر من

ای حجت ثانی عشر

مهدی امام منتظر

سرت سلامت (۲)

گشته عزای، قرآن ناطق

رئیس مذهب، امام صادق

جج

مظهر نور ایزدی

ناشر دین احمدی

بین چه آمد بر سر من

شد پاره پاره جگر من

سوزد ز داغش آن گل حیدر

باب الحوائج موسی بن جعفر

آن یادگار فاطمه

دارد به لب این زمزمه

رفت از جهان با چشم خونبار

جهان شیعه شد عزا دار

ص: ۲۰۲

روز قتل گل پرپر حیدر است

ماتم صادق آل پیغمبر است

آه و واویلتا آه و واویلتا

ششمین حجت کبریا کشته شد

حافظ پرچم کربلا کشته شد

آه و واویلتا آه و واویلتا

گل گلزار باغ نبی امام صادق

گشته پرپر ز بیداد منصور دوانق

شد جان شیعه، زین غصه بر لب

بهر عزای، رئیس مذهب

ای وای از این غم (۲)

در مدینه چنان ماتم عظمی پیا شد

کز غمش فاطمه در جنان صاحب عزا شد

شد جان شیعه، زین غصه بر لب

بهر عزای، رئیس مذهب

ای وای از این غم (۲)

تو صبح صادق که غمت شام عزای عالم است

شوال در ماتم تو طلعه محرم است

به عصمت و قدر رفیعت سلام

به خاک مظلوم بقیعت سلام

مولا امام صادق مولا امام صادق

حاصل عمرت رنج و غم، مسموم زهر جانگداز

در لحظه های آخرت کردی سفارش به نماز

شیعه اگر دلش به گفتار توست

شایسته مکتب و آثار توست

مولا امام صادق مولا امام صادق

در شهر پیغمبر شده قیامت

پرپر شده باغ گل امامت

یا بن الحسن مهدی سرت سلامت

نقش زمین شد قرآن ناطق

رئیس مذهب امام صادق

غوغای محشر گشته در مدینه

موسی جعفر میزند به سینه

شد باب او مسموم زهر کینه

نقش زمین شد قرآن ناطق

رئیس مذهب امام صادق

ص: ۲۰۴

مجری احکام حق قرآن ناطق کشته شد

نوح آل مصطفی امام صادق کشته شد

سیدی یا بن الحسن

رخت نیلی کن به تن

موسی جعفر نه تنها بلکه امت شد یتیم

دانش و تقوا و ایمان و فضیلت شد یتیم

سیدی یا بن الحسن

رخت نیلی کن به تن

در عزای صادق آل رسول

تسلیت بادا به زهرای بتول

شهر یثرب کربلاست

فاطمه صاحب عزاست

حجت خلاق سرمد کشته شد

صادق آل محمد کشته شد

شهر یثرب کربلاست

فاطمه صاحب عزاست

ص: ۲۰۵

قرآن ناطق کشته شد، امام صادق کشته شد ای وامصیبت (۲)

بحر حقایق کشته شد، امام صادق کشته شد ای وامصیبت (۲)

رخساریثرب را غبار غم گرفته

پیغمبر اکرم چرا ماتم گرفته

امام صادق کشته شد

حجت ناطق کشته شد

ای اهل عالم (۲)

قلب هشام و ابن نعمان و زراره

در ماتم مولای خود شد پاره پاره

رفته به گردون دادشان

در ماتم استادشان

ای اهل عالم (۲)

مانده ذکر و اماما بر لب ما

کشته شد بنیانگذار مذهب ما

و اماما واغریبا واشهیدا

گرچه از زهر ستم خون بر دلش بود

داغ فرزندان زهرا قاتلش بود

وا اما ما واغریبا واشهیدا

دوباره در ماتم نشسته مکتب ما

از داغ جانسوز رئیس مذهب ما

امام صادق امام صادق

روز عزای صادق آل رسول است

خون جگر جاری زچشمان بتول است

امام صادق امام صادق

ص: ۲۰۶

ای که مذهب ز تو گردیده جهان گیر

کلمات تو به قرآن شده تفسیر

ای نماز از تو به رونق

ای فدایی بره حق

صادق آل محمد (۲)

زد عزای تو شرر بر دل عالم

خونجگر از غم تو آدم و خاتم

پسرت موسی جعفر

در عزای تو مکدر

صادق آل محمد (۲)

چون کشته شد یاران امام صادق

باب حکم شد بسته بر خلاق

در جنان شد غمین خاتم المرسلین ای وامصیبت

موسای کاظم شد یتیم و محزون

بهر پدر شد دیده اش پر از خون

دست غم زد به سر شد همی خونجگر ای وامصیبت

ص: ۲۰۷

دو دمه

قرآن ناطق کشته شد وای وای

امام صادق کشته شد وای وای

موسی بن جعفر در عزاست امشب

مدینه همچون کربلاست امشب

امام صادق قبله گاه راز است

سفارش آخرش از نماز است

شکسته قلب فاطمه ز داغش

سلام ما به قبر بی چراغش

ص: ۲۰۸

حضرت امام کاظم علیہ السلام

ای ماه پر از ستاره کن مژگان را

از روزنه ایی نگاه کن زندان را

خورشید به روی تخته ایی افتادست

ای ابر برو ردیف کن باران را

« خروش اصفهانی »

ص: ۲۰۹

در دل سنگ قاتل ناله اثر ندارد

جز تازیانه انگار حرفی دگر ندارد

این گوهر علم و یقین است

آه این امام هفتمین است

سلام بر موسی بن جعفر (۲)

چه سال ها پیکرش کاهیده است و اکنون

یک مشت استخوان است در دل قعر السجون

فاطمه یوسفت به چاه است

عزیز عالم بی گناه است

سلام بر موسی بن جعفر (۲)

در غریبی جان سپردم کنج زندان بلا

ای رضا جانم بیا

زیر زنجیرم به وقت دادن جان از جفا

ای رضا جانم بیا

رضا جان می میرم در غل و زنجیرم بابا بیا از گردنم زنجیر بردار

معصومه دخترم خون شده جگرم بابا بیا از گردنم زنجیر بردار

ص: ۲۱۰

با چشم پر خون

با قلب محزون

موسی بن جعفر شد شهید از ظلم هارون

در زیر زنجیر

بی جرم و تقصیر

موسی بن جعفر شد شهید از ظلم هارون

ماتم ، ماتم نور دل یاسین است امام هفتمین است

بقیت الله آجرک الله

می آید ، می آید زندانبان رو به رویش سیلی زند به رویش

بقیت الله آجرک الله

ص: ۲۱۱

هفتمین حجت حق نبی را جانشینم

من جگر گوشه رحمت للعالمینم

مأمور زندان آید شبانه

بر دیدن من با تازیانه

جانم رضاجان، جانم رضا جان

ای رضا جان بیا کن به حال من نظاره

جگرم اطهرم از جفا شد پاره پاره

مأمور زندان آید شبانه

بر دیدن من با تازیانه

جانم رضاجان، جانم رضا جان

هفتمین حجت حی سبحان منم

بهر یاری دین کنج زندان منم

ای رضا جان بیا (۲)

گشته در کاظمین شور محشر پیا

غرق خون شد دل علی موسی الرضا

ای رضا جان بیا (۲)

از گوشه زندان دگر آوا نمی آید

صوت مناجات امام ما نمی آید

خون به دل یوسف زهرا شده

برات آزادیش امضاء شده

موسی بن جعفر (۲)

فرزند ممنوع الملاقات رسول الله

مانند یوسف آمده بیرون ز قعر چاه

خون به دل یوسف زهرا شده

برات آزادیش امضاء شده

موسی بن جعفر (۲)

ای سید زندانیان یوسف زهرا

تنهای تنها داده جان یوسف زهرا

فرزند پیغمبر یا موسی بن جعفر (۲)

ای خاک زندان بلا قتلگاه تو

شب تا سحر نقش زمین روی ماه تو

فرزند پیغمبر یا موسی بن جعفر (۲)

ای خدا کشته شد ازستم موسی بن جعفر

شد فدا گوهر دیگری از آل کوثر

فرزند زهرا، گردیده قربان

از زهر اعدا، در کنج زندان

باب الحوائج موسی بن جعفر (۲)

پیکرش ای خدا شد کبود از تازیانه

همچو زهرا بسی دارد او بر تن نشانه

فرزند زهرا، با قلب سوزان

به یاد مادر، گرید فراوان

باب الحوائج موسی بن جعفر (۲)

در کنج زندان موسی بن جعفر

با آه و افغان با حال مضطر

گفتا خلاصم کن خدایا از اسارت

همچون حسین بنما نصیب من شهادت

خلصنی یا رب (۲)

از اهل بیتم گردیده ام دور

با قلب خسته با جسم رنجور

آیا شود آید رضا بهر عیادت

همچون حسین بنما نصیب من شهادت

خلصنی یا رب (۲)

ص: ۲۱۴

من که بر عالمی مقتدایم

کشته دست جور و جفایم

من وصی مرتضایم

شافع روز جزایم

باشد از نامردمیها

سوز غربت در نوایم

من غریبم من غریبم من غریبم (۲)

بر تنم باشد از تازیانه

همچو زهرای اطهر نشانه

من غمی دیرینه دارم

نالها در سینه دارم

صورتی نیلی چو زهرا

از جفا و کینه دارم

من غریبم من غریبم من غریبم (۲)

باچشم دل ای شیعه کن نظاره

نعش غریبی روی تخته پاره

این شه بافر است

موسی جعفر است

ای و مصیبت (۲)

زندان هارون را سحر گشودند

بر طایر پر بسته در گشودند

در گشودن چه سود

بال و پر بسته بود

ای و مصیبت (۲)

ص: ۲۱۵

آنکه داده دین حق را آبرو

می کند با خاک زندان گفتگو

من مظهر صبر خدایم

اسیر غربت و بلایم

فرزند کوثرم من

موسی بن جعفرم من

از سیه چال این چنین آید ندا

همره ذکر و مناجات خدا

آه ای خدای خاک و دانه

بی طاقتم از تازیانه

فرزند کوثرم من

موسی بن جعفرم من

قرآن خدا بود، فرزند پیمبر

جان انبیا بود، آئینه کوثر

آخر به چه جرم و به چه تقصیر

ناله می زند کنج مطامیر

یا موسی بن جعفر (۲)

پیچیده به زندان زمزم دعایش

تسبیح و مناجات طول سجده هایش

باغ دل فاطمه خزان شد

در ناله زمین و آسمان شد

یا موسی بن جعفر (۲)

ص: ۲۱۶

دو دمه

درهای زندان باز شد خدایا

مرغ اسیر آزاد شد خدایا

فریاد آن خونین جگر نیاید

بانگ مناجاتش دگر نیاید

آن شمع سوزان گشته آب امشب

هارون دگر راحت بخواب امشب

درهای زندان وا شده است امشب

اسیر غم رها شده است امشب

امام هشتم به سفر می رود

برای تشیع پدر می رود

مولا علی موسی الرضا

برخیز و برپا کن عزا

ص: ۲۱۷

حضرت امام رضا عليه السلام

عمریست دلم دل گرو این وادیست

این عشق همیشگی ست ، مادرزادیست

تو گریه نکرده می دهی حاجت را

کی گفته دل پنجره ات فولادیست

« خروش اصفهانی »

ص: ۲۱۸

ای فروغ دل زهرا و علی

دهمین نور خدای ازلی

ای امید دل ما

حل نما مشکل ما

یا غریب الغربا ادرکنی

یا معین الضعفا ادرکنی

زائرت را به سه جا دریابی

به هواداری او بشتابی

بیت حق حائر توست

هر دلی زائر توست

یا غریب الغربا ادرکنی

یا معین الضعفا ادرکنی

پاره پیکر رسول اکرم

جگرش پاره شد ای اهل عالم

حجره بسته، دل شکسته، دیده گریان

ای رضا جان، ای رضا جان، ای رضا جان

آسمان در عزایت گریه می کرد

قاتلت هم برایت گریه می کرد

در دلت بود، سوز مخفی، درد پنهان

ای رضا جان، ای رضاجان، ای رضاجان

ص: ۲۱۹

ای پاره قلب و تن احمد رضا جان

تیر غمت بر جان ما آمد رضا جان

اشک مصیبت ریزم بیادت

افغان بر آرم همچون جوادت

مظلوم رضا جان (۲)

ای شهره بر احسان و رأفت در امامان

وقت اجل همسفره گشتی با غلامان

چون رحمت تو آهو نوازد

کی بندگان را نومید سازد

مظلوم رضا جان (۲)

هشتمین اختر برج ولایت

یا رضا یا رضا جانم فدایت

ای رضا جان (۳)

وقت جان دادنت چشمت بدر بود

بر لب ناله پسر پسر بود

ای رضا جان (۳)

ص: ۲۲۰

السلام ای شهید خراسان

ای پناه همه بی پناهان

ای رضاجان / ای رضا جان / ای رضا جان

ای گل پرپر باغ حیدر

میوه قلب موسی بن جعفر

ای رضاجان، ای رضا جان، ای رضا جان

ای خراسان کربلا در غم عظمای تو

آخر ماه صفر روز عاشورای تو

مولای مسموم / رضای مظلوم (۲)

ای به غربت بهر تو قصر مأمون قتلگاه

چشم خودبگشازهم بر جوادت کن نگاه

مولای مسموم / رضای مظلوم (۲)

یا محمد خراسان کربلا شد

قتل فرزند مظلومت رضا شد

می کشد از نهاد ناله یا جواد

وا اما ما / واغریبا

گشته پر پر گل باغ امامت

یا امام جواد سرت سلامت

خون دل مرتضاست شب قتل رضاست

وا اماما / واغریبا

ص: ۲۲۱

ماتم جانسوز شمس الشموس است

ثامن الائمہ سلطان طوس است

قبلہ ہفتم / امام ہشتم

یا صاحب الزمان سرت سلامت

چشمم مانده به در بیا جوادم

در لحظه آخر برس به دادم

از زھر مأمون / شد جگرم خون

یا صاحب الزمان سرت سلامت

ای پاره قلب رسول

فرزند زھرای بتول

بر ما نظر کن از وفا

جانم رضا جانم رضا

ما جملہ مهمان توایم

ریزہ خور خوان توایم

ای منبع جود و سخا

جانم رضا جانم رضا

ص: ۲۲۲

کرده خدا قسمت ما نور رضا را

سایه احسان معین الضعفا را

دل زنده می شود به یادش

به سوز سینه جوادش

سیدنا امام هشتم (۲)

از درد می پیچد و آهش بیقراری

شمع دلش می سوخت در چشم انتظاری

آید جواد اما پریشان

سرپدر گیرد به دامان

سیدنا امام هشتم (۲)

با که بگویم از دل شکسته

که در هوای حرمت نشسته

یا رضا، مهربان عالمی

ضامن، خسته گان عالمی

یا رضا یا غریب الغریبا

یا رضا یا معین الضعفا

بسته دلم به بال آن کبوتر

که روی گنبد تو می زند پر

دانه اش، گندم محبت

بر سرش، سایه ولایت

یا رضا یا غریب الغربا

یا رضا یا معین الضعفا

ص: ۲۲۳

حرف دل های ما نام شمس الشموس

ذکر لب های ما یا انیس النفوس

با ولایت خوش است حال ما یا رضا

یا رضا، یا رضا، یا رضا، یا رضا

چه غریبانه بود حال جان دادنت

غمگساری نبود دردم رفتنت

خاک آن حجره داشت روضه ها یا رضا

یا رضا، یا رضا، یا رضا، یا رضا

از خراسان رسد ناله یا رضا

حضرت فاطمه گشته صاحب عزا

یا رضا، یا رضا، یا رضا، یا رضا

خیز و بار دگر ای شه عالمین

گریه کن گریه کن بهر جدت حسین

یا رضا، یا رضا، یا رضا، یا رضا

ص: ۲۲۴

افسوس که کردند ادا حق رضا را

کشتند غریبانه غریب الغریبا را

مظلوم رضا جان (۲)

این آه جواد است که پیوسته بگوش است

تابوت غریب الغریبا بر سر دوش است

مظلوم رضا جان (۲)

ای رضاجان (۲) روح ایمان

در عزای تو شد دیده گریان (۲)

جان زهرا (۲) کن سوی ما

گوشه چشمی از لطف و احسان (۲)

زهر جفا بدادند سلطان دین رضا را

ای شیعیان بپوشید پیراهن عزا را

زهرش به شهر غربت بر جان و دل زد آذر

شدسوی منزل و داشت آتش به سر عبارا

ای قبله هفتم امام هشتم

ای نوربخش مهر و ماه و انجم

خسرو ملک طوس یا انیس النفوس

شه غریبان

زهر جفا زد بر دلت شراره

گشتت جگر از کینه پاره پاره

ای شهید ستم

وی گرفتار غم

از جور عدوان

ص: ۲۲۵

شب پایان عمر شهید ارض طوس است

آن جگر گوشه فاطمه شمس الشموس است

ای وامصیبت (۲)

ای جوادم بیا کن به حال من نظاره

جگر اطهرم از جفا شد پاره پاره

ای وامصیبت (۲)

هشتمین حجت کبریا کشته شد

حافظ پرچم کربلا کشته شد

ای رضاجان رضا، ای رضا جان رضا

قدسیان در سما همه در زمزمه

بهر زیبا گل پرپر فاطمه

ای رضاجان رضا، ای رضا جان رضا

در خراسان پیا محشر کبراست

شب قتل رضا عزیز زهراست

وای رضا جان (۳)

کشته شد هشتمین شمس امامت

حجت بن الحسن سرت سلامت

وای رضا جان (۳)

ای خراسان بیاد غربت کربلا

حرمت روز و شب قبله اهل ولا

پاره، پیکر، احمد و مرتضی

یا رضا، یا رضا، یا رضا، یا رضا

ای به غربت شده هماره خون بر دلت

چه غریبانه شد زهر ستم قاتلت

فاطمه، در غمت، گشته صاحب عزا

یا رضا، یا رضا، یا رضا، یا رضا

ص: ۲۲۶

دو دمه

از داغ جانسوز رضا

زهرا بود صاحب عزا

جواد نه ساله به سر می زند

ناله ز هجران پدر می زند

عشق تو روح پیکرم رضا جان

کهنه گدای این درم رضا جان

جان جهان فدای تو رضا جان

رضای حق رضای تو رضا جان

ص: ۲۲۷

حضرت امام جواد علیه السلام

قراری دارم امشب با نسیمی

برای دیدن کوی کریمی

خراب شهر بغدادم که یکجا

دو خورشیدند مهمان حریمی

« خروش اصفهانی »

ص: ۲۲۸

دیدی آخر خون به قلب مرتضی شد

دخت مأمون قاتل ابن الرضا شد

وا اماما ، وا اماما ، وا اماما

شهر بغداد از برایش نینوا بود

سایه بانس بال مرغان هوا بود

وا اماما ، وا اماما ، وا اماما

یا فاطمه زیبا گلت در شهر بغداد

در حجره در بسته پر پر شد وجان داد

ای وای از این غم (۲)

در شهر کاظمین شده شور قیامت

مولا علی موسی الرضا سرت سلامت

ای وای از این غم (۲)

ص: ۲۲۹

مادر بیا برس به دادم

من گل پرپرت جوادم

من جگر گوشه شمس الشموسم

یادگار شهید ارض طوسم

جواد تو در شهر بغداد

در حجره در بسته جان داد

من جگر گوشه شمس الشموسم

یادگار شهید ارض طوسم

یا زهرا، یا زهرا رخت عزا به برکن بر کاظمین سفر کن

نور هدی را کشتند ابن الرضا را کشتند

یا زهرا، یا زهرا در موسم جوانی ناکام زندگانی

مولای ما را کشتند ابن الرضا را کشتند

ص: ۲۳۰

بر خاک حجره سر می گذارم

تنهای تنها جان می سپارم

قاتل مرا کشت، با کام عطشان

بابا رضاجان، بابا رضاجان

کی یار خود را اینگونه کشته

دلدار خود را، اینگونه کشته

او خنده بر لب، من دیده گریان

بابا رضاجان، بابا رضاجان

شد شهید، قبله اهل عبّاد یوسف زهرا جواد

بقیت الله، آجرک الله

در حجره، تنهای تنها جان داد جان با لب عطشان داد

بقیت الله، آجرک الله

گلهای زهرا شد همه پر پر ز بیداد

در کربلا و سامرا و طوس و بغداد

نالد همیشه بلبل

از داغ این همه گل

بقیت الله ، آجرک الله

این کشته ای که تشنه لب همچون حسین است

شهید بغداد و غریب کاظمین است

سلام ما به قبر او به جلوه های صبر او

بقیت الله ، آجرک الله

ص: ۲۳۱

بهار عمر من گشته خزانی

ز دنیا دیده بستم در جوانی

گل باغ خدایم

جواد ابن الرضایم

وجودم از عطش در شور و شین است

لبم مشغول ذکر یا حسین است

گل باغ خدایم

جواد ابن الرضایم

یوسف فاطمه، تنها و دل شکسته

لب تشنه جان داده، در حجره در بسته

می گرید چشم همه بر جواد الائمه

ام الفضل می خندد، بر گریه همسرش

فاطمه می گرید در ماتم پسرش

می گرید چشم همه بر جواد الائمه

ص: ۲۳۲

من که پر پر می زخم تشنه لب در لانه ام

بر علی موسی الرضا من گل یکدانه ام

کس جوابم را نداد من جوادم من جواد

همسر بیگانه ام با کنیزان صف زند

می دهم من جان ز کف او به شادی کف زند

کس جوابم را نداد من جوادم من جواد

گشته عالم، غرق ماتم

در عزای جواد الائمه (۲)

شد ز بیداد، شهر بغداد

در عزای جواد الائمه (۲)

دو دمه

شام عزای نهمین امام است

پیکر اطهرش به روی بام است

آتش گرفته پیکرم خدایا

خندد به حالم همسرم خدایا

جوانترین امام ما وای وای

کشته شد از زهر جفا وای وای

آتش گرفته پیکرم آب آب

شد پاره پاره جگرم آب آب

ص: ۲۳۳

حضرت امام هادی علیه السلام

در دل نگذار این همه داغ علنی را

پنهان مکن از ما غم دور از وطنی را

این شعر مرا گشت چه باید بنویسم

خورشید شب مکه و ماه مدنی را

« خروش اصفهانی »

ص: ۲۳۴

مسموم زهر کین شد مولا امام هادی

شهید راه دین شد مولا امام هادی

ای خاتم امامت

مهدی سرت سلامت

از گلشن ولایت دسته گلی جدا شد

ابن رضای دوّم در راه حق فدا شد

ای خاتم امامت

مهدی سرت سلامت

ماتم - ماتم نور دل یاسین است امام دهمین است

بقیت الله آجرک الله

شد مسموم شد مسموم میوه قلب احمد علی بن محمد -

بقیت الله آجرک الله

یا فاطمه در سامرا بنما تطاره

بین جگر ابن الرضا شد پاره پاره

واویلتا واویلتا آه و واویلا

رفت از جهان سوی جنان با قلب خسته

در نزد زهرا مادر پهلو شکسته

واویلتا واویلتا آه و واویلا

ص: ۲۳۵

دهمین حجت کبریا کشته شد

حافظ پرچم کربلا کشته شد

آه و واویلتا آه و واویلتا

گشته در سامره شور محشر بیا

بهر هادی گل باغ خیرالنسا

آه و واویلتا آه و واویلتا

بار دیگر خون به دل شد آل طاها

ماتم هادی به عالم گشته بر پا

وا مصیبت وا مصیبت وا مصیبت

عرش اعلا زین مصیبت در فغان است

در عزای جد خود صاحب زمان است

وا مصیبت وا مصیبت وا مصیبت

در راه خدا گشته فدا حضرت هادی

خون شد دلش از زهر جفا حضرت هادی

کشتند علی را ، آن دهم ولی را ، نور ازلی را

ای سینه بسوز از غم و ای اشک روان باش

گریان به عزای جد صاحب الزمان باش

کشتند علی را آن دهم ولی را نور ازی را

ص: ۲۳۶

شد کشته از زهر جفا امام هادی

آن نور چشم مصطفی امام هادی

هنگامه عزا شد

سامرا کربلا شد

بهر حسین خون دیده ابن الرضا شد

تا از ستم ویرانه کوی کربلا شد

هنگامه عزا شد

سامرا کربلا شد

در شهر سامرا ماتم شده بر پا

کشتند امام هادی آن فرزند زهرا را

یا حضرت هادی

دل در عزای او خون شد برای او

همچون بقیع گردیده ویران سامرای او

یا حضرت هادی

ص: ۲۳۷

قاصد غم و ماتم می رسد زهر وادی
سامره سیه پوش از داغ حضرت هادی
گریه می کند هستی بر غریب سامرا

تسلیت بنی الزهرا

شیعیان به یاد او ناله بی امان دارند
بر شهید سامرا چشم خونفشان دارند
عرض تسلیت گویند یادگار طاهرا

تسلیت بنی الزهرا

ای فاطمه در ماتم تو گشته عزادار

یا حضرت هادی (۲)

ای دیده به عمر کم خود محنت بسیار

یا حضرت هادی (۲)

ص: ۲۳۸

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

هشدار که ماتم عظیم است امروز

دل ها همه با غصه ندیم است امروز

بر صاحب عصر، تسلیت باید گفت

کان دُر گرانمایه یتیم است امروز

« ثابت خراسانی »

ص: ۲۳۹

این منم عسکری، نور دل طاهایم

پاره ای از تن، صدیقه کبرایم

منم گل ثارالله فرزند رسول الله

این منم عسکری، زهرا را نور عینم

حافظ پرچم، خون پاک حسینم

منم گل ثارالله فرزند رسول الله

حجت ابن الحسن ای گل حیدری

پاره پاره شده جگر عسکری

مهدی منتظر، گریه کن بر پدر

گشته پر پر گل گلشن مرتضی

یوسف فاطمه گشته صاحب عزا

مهدی منتظر، گریه کن بر پدر

زمزمه واحسنا به عرش اعلاست

شال عزا بر گردن مهدی زهراست

ای حجت ثانی عشر مهدی امام منتظر سرت سلامت

با عمر کوتاهش چه ها دیده به دوران

گاهی به تبعید و گهی گوشه زندان

ای حجت ثانی عشر مهدی امام منتظر سرت سلامت

ص: ۲۴۰

از شیعه در این تعزیت یا حجت الله

بر پیشگاهت تسلیت یا حجت الله

خون گریه کن در ماتم سلطان ابرار

کشتند امام عسگری صد آه صد آه

سامره گشته صحرای قیامت

حجت بن الحسن سرت سلامت

مهدی منتظر دیده داغ پدر وامصیبت

خیزد از سینه باران شراره

جگر عسگری شده پاره پاره

خاتم المرسلین اشک مهدی بین وامصیبت

سامره گردیده بیا محشری

یا حجت بن الحسن العسگری

خاتم امامت تسلیت تسلیت

بقیت الله آجرک الله

امید شیعیان عالم همه

ابن الرضای سوم فاطمه

زاده مصطفی کشته شد از جفا

بقیت الله آجرک الله

با زهر کینه کشتند امام عسکری را

از نو خزان نمودند گلزار حیدری را

ای خاتم امامت مهدی سرت سلامت

یابن الحسن زجا خیز رخت سیه به بر کن

جاری سر شک دیده در ماتم پدر کن

ای خاتم امامت مهدی سرت سلامت

ص: ۲۴۱

فاطمه امشب به سامرا عزا بر پا کند

دیده را یاد امام عسگری دریا کند

یا امام عسگری (۲)

ای خوش آن چشمی که امشب با امام عصر خود

خون دل جاری به رخ درسوگ آن مولا کند

یا امام عسگری (۲)

می سوزد از زهر جفا پا تا سر من

چون شمع آتش دیده سوزد پیکر من

خون شد ز غم ها جگرم

بیا ببالین پسر م

مهدی کجائی

بابا پس از من سر به صحرا می گذاری

داغ فراق را بدلها می گذاری

نالم ز ماجرای تو

دعا کنم برای تو

مهدی کجائی

ای امام عسگری

دین حق را رهبری

کن گوشه چشمی سوی محبانت

جان ها به قربانت جان ها به قربانت

نور بهار عمر تو ای دریغا شد خزان

شد مادرت زهرا از غم پریشان

جان ها به قربانت جان ها به قربانت

ص: ۲۴۲

دو دمه

وای امام عسکری کشته شد

سرو ریاض سروری کشته شد

امام عسگری رفته ز دنیا

سیه پوشیده نور چشم زهرا

دلها ز داغ عسکری شکسته

ز هر جفا بر جگرش نشسته

امشب غم زهرا شدید گشته

امام عسکری شهید گشته

داغ حسن خروش و ناله دارد

صاحب عزای چارساله دارد

قلب امام عصر ما شکسته

گرد یتیمی بر رخس نشسته

ص: ۲۴۳

حضرت زینب کبری سلام الله علیها

نه یک شب، بلکه هر شب گریه دارد

نه عاشورا، مرتب گریه دارد

مسلم بیشتر از هر مصیبت

اسیری های زینب گریه دارد

« خروش اصفهانی »

ص: ۲۴۴

شهادت زینب کبراست

صاحب عزا حضرت زهراست

عمه سادات رفته ز دنیا (۲)

امشب بود حضور مادر

دیدار خواهر و برادر

عمه سادات رفته ز دنیا (۲)

در ماتم زینب همه جا گشته قیامت

یا حضرت سجاد سرت باد سلامت

ای مردم عالم فریاد از این غم (۲)

گردیده ز غم کرب و بلا شهر مدینه

خون میچکد از دیده گریان سکینه

ای مردم عالم فریاد از این غم (۲)

از این جهان خسته ام، بار سفر بسته ام

می روم و همدمم، گریه آهسته ام

یاد حسینم کرده بیقرارم

آه ای اجل امشب در انتظارم

وای حسینم وای حسینم (۲)

من درتو دیدم ای شام، آتش و سنگ و دشنام

امشب از آن مصائب، دلم بگیرد آرام

قافله صبر و قنوت آهم

بهشت بی حسین خود نخواهم

وای حسینم وای حسینم (۲)

ص: ۲۴۵

دو دمه

ای یادگار سه امام زینب

بر قلب سوزانت سلام زینب

دوم حبیبه خداست زینب

زهرای دشت کربلاست زینب

امشب شب عزای زینب بود

جان تمام شیعه بر لب بود

ص: ۲۴۶

حضرت ام کلثوم سلام الله علیها

این قدر بگو غریب و مظلوم چرا؟

از مجلس اوست، شیعه محروم چرا؟

زهرا تو مگر که چند دختر داری

پنهان شده نام ام کلثوم چرا؟

آن زینب او، عزیز مادر شده است

این فاطمه اش، ملیکه قم شده است

افسوس! که نام ام کلثوم فقط

مانند مزار مادرش، گم شده است

« قاسم صرافان »

ص: ۲۴۷

دلم دارد عزای ام کلثوم

شدم گریان برای ام کلثوم

دل زینب حزین شد

غمین ام البنین شد

مصیبت وامصیبت

دلم دارد عزای ام کلثوم

شدم گریان برای ام کلثوم

دل زینب حزین شد

غمین ام البنین شد

مصیبت وامصیبت

بر چهره ها دوباره، گرد عزا نشسته

در سوگ عمه خود، صاحب زمان نشسته

مظلومه ام کلثوم مظلومه ام کلثوم

هم غمگسار بابا، هم یار مجتبی بود

هم مونس برادر، در دشت کربلا بود

مظلومه ام کلثوم مظلومه ام کلثوم

آمد عزایت، دل غم سرایت

با سوز سینه، گریم برایت

یا ام کلثوم یا ام کلثوم

گریان به سوگت، ام البنین است

سکینه محزون، زینب غمین است

یا ام کلثوم یا ام کلثوم

ص: ۲۴۸

حضرت ام البنین سلام الله علیها

غمی جا مانده در این سرزمینم

جگر سوز است آه آتشینم

به من ام البنین دیگر نگوئید

من از امروز ام بی بنینم

« خروش اصفهانی »

ص: ۲۴۹

من همسر مولا امیر المؤمنین یعنی کنیز فاطمه، ام البنینم

من ام بی بنینم دل خسته و غمینم

بر لاله های فاطمه من باغبانم من غربت آل کسا را هم زبانم

من ام بی بنینم دل خسته و غمینم

فصل عزای حضرت ام البنین است

در سوگ آن بانو دل شیعه غمین است

شور و نوا پیا شد مدینه در عزا شد

داغ حسین رگ های قلبش را بریده

خون کرده جاری در عزای او زدیده

شور و نوا پیا شد مدینه در عزا شد

ص: ۲۵۰

باغ گل یاس سلام علیک

مادر عباس سلام علیک

فاطمه ام البنین (۲)

نخل تو یک بهشت احساس داد

دسته گلی به نام عباس داد

فاطمه ام البنین (۲)

خزان غم به باغ یاس آمد

عزای مادر عباس آمد

علمدار امامت سرت بادا سلامت

ز گلزار جنان یا ایها الناس

به استقبال مادر آید عباس

علمدار امامت سرت بادا سلامت

دوباره ماتم مدینه

تازه شده غم مدینه

بانوی دین، ام البنین رفته ز دنیا

واویلتا واویلتا آه و واویلا

می سوخت شمع جان مادر

بر چار فرزند دلاور

عباس من شنیده ام دستت جدا شد

واویلتا واویلتا آه و واویلا

ص: ۲۵۱

قامت آسمان بار دگر خم شده

فاطمیه ولی باز محرم شده

داغ ام البنین کرده دل را غمین

واحسینا و شهیدا (۲)

آسمان ناله کن آمده سوگ زمین

عاشقان شد بپا عزای ام البنین

خونجگر حیدر است دیدگانش تر است

واحسینا و شهیدا (۲)

صبور ایمان و ادب ام البنینی

تو مادر عصمت و غیرت آفرینی

صاحب عزای کربلایی لاله باغ شهدائی

هم راز حیدر

هم نام کوثر (۲)

مدینه با اشک غم تو آشنا بود

زینب دلش آئینه مهر شما بود

قصه کربلا شنیدی سرو خزان دیده خمیدی

هم راز حیدر

هم نام كوثر (۲)

ص: ۲۵۲

دو دمه

امام عاشقان را همنشینم

کنیز فاطمه، ام البنینم

به باغ عاشقان نیلوفر من

یتیمان علی را مادرم من

اگر در باغ قلبم یاس دارم

یلی چون حضرت عباس دارم

دل‌م خوش بود عباسم جوان است

رخش چون ماه و ابرویش کمان است

ولی افسوس یاس من خزان شد

قد سرو بهار من کمان شد

شنیدم دست عباسم جدا شد

فدای راه شاه کربلا شد

ص: ۲۵۳

شاعران این مجموعه

شعرای بزرگواری که از اشعارشان استفاده شده است:

۱ آقای محمد علی صاعد اصفهانی -

۲ آقای سید رضا مؤید خراسانی -

۳ آقای غلامرضا سازگار (میثم) -

۴ آقای علی انسانی تهران -

۵ - آقای جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی)

۶ آقای عباس شاهزیدی (خروش اصفهانی)

۷ آقای قاسم صرافان

۸ آقای محمد علی فریور اصفهانی -

۹ آقای سید محسن حسینی تهران -

۱۰ آقای محمد حسن زاده (راضی اصفهانی) -

۱۱ آقای محمد نعیمی قم -

۱۲ آقای محسن حافظی -

۱۳ آقای سید محمود مرتضوی (ناظر نائینی) -

۱۴ آقای مرتضی رهنمایی کربلایی قم -

۱۵ آقای کامیل کاشانی

- ۱۵ آقای علی اضغر یونسیان (ملتجی) -
- ۱۶ آقای محمد موحدیان قم -
- ۱۷ آقای سید هاشم وفایی مشهد مقدس -
- ۱۸ آقای قاسم قادری زفره ای (قادر) -
- ۱۹ آقای محمود تاری تهران -
- ۲۰ آقای سید محمد جوادی -
- ۲۱ مرحوم عباسعلی موزون اصفهانی -
- ۲۲ مرحوم مهدی خرازی -
- ۲۳ مرحوم حسن فرح بخشیان (ژولیده نیشابوری) -
- ۲۴ مرحوم محمد منتظر -
- ۲۵ مرحوم محمد حیاتبخش (حیات) -
- ۲۶ مرحوم حبیب الله چایچیان (حسان) -
- ۲۷ - مرحوم سید محمد علی ریاضی یزدی
- ۲۸ - مرحوم ثابت خراسانی

با تشکر از جناب آقای حاج ناصر افقری که برای شادی روح پدر بزرگوارشان خادم الحسین علیه السلام ، از بنیانگزاران و سرپرست هیئت علوی اصفهان، مرحوم حاج آقا مهدی افقری ما را در چاپ و نشر این جزوه یاری نمودند.

ماده تاریخ

عمر پاکش وقف آستان حیدری شد

هر که بر این درغلامی کر دمزدش سروری شد

رادمردی رفت از دنیای فانی سوی جنت

کز همه کون و مکان مهر علی را مشتری شد

در حقیقت دیدن روی علی هنگام رفتن

لذتی دارد که هر کس دید از دنیا بری شد

بی سر و پا نیست لایق گوهر عشق علی را

هر کسی این عشق رامدیون شیر مادری شد

بهر تاریخش (یکی) سر زد میان جمع و گفتا

(ساکن کوی محبت حاج مهدی افقری شد)

سراینده : عباس شاهزیدی « خروش اصفهانی »

قابل توجه مداحان عزیز در صورت نیاز به یادآوری سبک نوحه ها با شماره تلفن ۰۹۱۳۱۱۰۰۱۱۷ تماس حاصل فرمایند.

اصفهان - علیرضا مهرپرور

ص: ۲۵۷

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

